

اسسناد

شرکت گاز استان گیلان

(سهامی خاص)

بسمه تعالی

آگاهی از متن اساسنامه شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز ایران همراه
مورد طلب همکاران و کارشناسان محترم بوده است. به همین لحاظ در این
مجموعه علاوه بر اساسنامه شرکت گاز استان... اساسنامه شرکتهای مزبور و نیز
برخی ضوابط موردنی عمل در عرصه فعالیتهای شرکت تألیف گردیده که جهت
استفاده در اختیار همکاران عزیز قرار می‌گیرد. امید است با رهنماها و اعلام
نیازهای خود این دفتر را در اصلاح و تکمیل مجموعه یاری نمایند.

دفتر امور مجتمع
شهریور ۱۳۸۳

نام کتاب : اساسنامه شرکتهای گاز استانی
تهیه و تنظیم : دفتر امور مجتمع (شهریور ۱۳۸۳)
ناشر: روابط عمومی شرکت ملی گاز ایران
شمارگان : ۱۳۰۰ نسخه

«بسم الله تعالى»

اساسنامه

شرکت گاز استان گیلان

(سهامی خاص)

فصل اول- گلچیات و سرمایه

ماده ۱- نام شرکت:

- نام شرکت- شرکت گاز استان گیلان (سهامی خاص) است. که طبق بند ب ماده (۶) قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران به عنوان شرکت فرعی شرکت ملی گاز ایران تشکیل می شود و از این پس در این اساسنامه اختصاراً «شرکت» نامیده می شود.

ماده ۲- مرکز شرکت:

- مرکز اصلی شرکت رشت است.^(۱)

شرکت با تصویب مجمع عمومی خود می تواند برای انجام عملیات و وظایف مقرر در ماده (۵) این اساسنامه شعب یا دفاتر و نمایندگی هایی در داخل و یا خارج از کشور تأسیس نماید.

ماده ۳- مدت شرکت:

- مدت شرکت نامحدود است.

ماده ۴- سرمایه شرکت:

- سرمایه شرکت یکصد میلیون ریال (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) منقسم به یک هزار سهم یکصد هزار ریالی با نام بوده که تماماً پرداخت گردیده است.

(۱) اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱ مجمع عمومی فرق العاده.

ماده ۶- حقوق و اختیارات شرکت:

- بمنظور تحقق اهداف و انجام عملیات و فعالیتهای مذکور در ماده (۵) این اساسنامه، شرکت با رعایت قوانین و مقررات کشور دارای حقوق و اختیارات لازم در موارد مشروطه زیر می‌باشد:
- الف) اعقد قراردادهای خدمات و پیمانکاری و مهندسی مشاوره و مشاوره و استخدامی با مؤسسات و اشخاص واجد صلاحیت علمی، فنی، مالی و دارای توان اجرائی در مواردی که انجام عملیات و خدمات مذکور در ماده (۵) ایجاب نماید، طبق قوانین و مقررات مربوطه.
- ب) خرید، فروش، اجاره، استیجاره، رهن و تحصیل و تملک و استفاده از اموال منقول و غیرمنقول و همچنین پیش‌بینی، سفارش، تهیه و تدارک کلیه اقلام مورد نیاز از داخل و خارج و تکمیل و تعمیر انواع تأسیسات و تجهیزات مربوط به شرکت جهت نیل به اهداف با رعایت قوانین و مقررات مربوطه.^(۱)
- ج) اعقد قرارداد خرید گاز طبیعی از هر عرضه کننده مجاز و عقد قرارداد فروش با مقاضیان استفاده از گاز طبیعی.
- د) گرفتن اعتبار یا وام و پرداخت وام و اعتبار به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و اجرای مقاصد شرکت با رعایت قوانین مربوطه پس از تصویب مجمع عمومی.
- ه) سرمایه‌گذاری و مشارکت در صنایع و شرکتها و مؤسساتی که فعالیت آنها به هر نحوی با موضوع شرکت مرتبط باشد بر اساس ضوابط مربوطه و تصویب مجمع عمومی.
- و) شرکت می‌تواند در مواردی که مقتضی بداند برخی از عملیات خود را با رعایت قوانین و مقررات مربوطه به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی ثالث به مورد اجرا بگذارد.
- ز) تحصیل و تملک اراضی مورد نیاز برای عملیات جاری و توسعه‌های بعدی شرکت با رعایت مقررات قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران و سایر قوانین موضوعه.
- ح) تحصیل و تملک و واگذاری حق استفاده و ثبت پروانه‌های اختراع و هر

سهام شرکت کاملاً متعلق به شرکت ملی گاز ایران می‌باشد، شرکت می‌تواند بر حسب پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی سرمایه خود را افزایش یا کاهش دهد.

فصل دوم- موضوع، حقوق و اختیارات شرکت

ماده ۵- موضوع شرکت:

- موضوع شرکت عبارت است از:
- الف) دریافت، توزیع، خرید و فروش و حق العمل کاری گاز طبیعی با رعایت مقررات و قوانین مربوطه.
- ب) حفظ، نگهداری و اداره عملیات مربوط به خطوط انتقال فرعی، شبکه‌های توزیع و توزیع گاز، ایستگاه‌های تقلیل فشار، ایستگاه‌های اندازه‌گیری، ایستگاه‌های حفاظت از زنگ و سایر تأسیسات و اینه مرتبط با فعالیتهای شرکت.^(۱)
- ج) ارائه خدمات به مقاضیان و مشترکین گاز طبیعی، فروش گاز بر اساس قرارداد و اهتمام در ارتقاء کیفیت خدمات قبل و بعد از فروش به مشترکین و مصرف کنندگان گاز طبیعی.
- د) مطالعات فنی، مهندسی، اقتصادی و طراحی و اجرای طرح‌های گازرسانی و ایجاد و احداث تأسیسات و اینه لازم جهت نیل به اهداف شرکت حسب برنامه‌های مصوب.
- ه) اهتمام لازم در نهادینه‌سازی نظام پژوهشی و ایجاد و تحکیم رابطه با مراکز علمی و تحقیقاتی به منظور دستیابی به نوآوری‌های علمی و فرآوری و متناسب با پیاده‌سازی آنها در جهت رفع نیازهای شرکت.^(۲)
- و) هر گونه اقدام دیگر مرتبط با صنعت گاز با موافقت مجمع عمومی.^(۳)

(۱) و (۲) و (۳) اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱ مجمع عمومی فوق العاده

(۱) اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱

ب) ریاست جلسات مجمع عمومی بر عهده رئیس هیأت مدیره شرکت ملی گاز ایران و در غیاب ایشان با مدیر عامل شرکت مذکور خواهد بود.

ج) مجمع عمومی عادی در نیمة اول خرداماه هر سال برای رسیدگی و تصویب تراز نامه و حساب سود و زیان و سایر صورتهای مالی سال گذشته شرکت و گزارش مدیران و بازرگان و تا مهرماه همان سال برای رسیدگی و تصویب بودجه سال آینده تشکیل می گردد و تا موقعی که نسبت به موضوعات مندرج در دستور جلسه تصمیمی اتخاذ نشده جلسات همچنان ادامه می یابد.^(۱)

تصویره: علاوه بر موارد مذکور در بالا ممکن است موضوعات دیگری نیز بنا به پیشنهاد رئیس و یا نائب رئیس هیأت مدیره شرکت و یا طبق نظر ریاست مجمع عمومی در دستور مذاکرات مجمع قرار گیرد.^(۲)

د) مجمع عمومی را می توان در هر موقع از سال بنا به تصمیم رئیس مجمع عمومی و یا به درخواست رئیس هیأت مدیره یا بازرگان شرکت به طور فوق العاده دعوت نماید.

ه-) دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده از طرف رئیس هیأت مدیره به عمل می آید. در صورتی که رئیس هیأت مدیره اقدام به دعوت مجمع عمومی ننماید، بازرگان اقدام به دعوت مجمع عمومی خواهد نمود.

و) اعضای هیأت مدیره و بازرگان شرکت می توانند به دعوت رئیس مجمع بدون داشتن حق رأی در جلسات مجمع عمومی شرکت نمایند.

ز) حد نصاب برای تشکیل جلسات مجمع عمومی و اعتبار تصمیمات آن طبق مقررات قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران در مورد جلسات هیأت مدیره آن می باشد.

ح) دبیر (منشی) مجمع عمومی توسط مجلس عمومی انتخاب می گردد.^(۳)
ط) صورت جلسه مجمع عمومی پس از تصویب باید به امضاء رئیس و سایر اعضای حاضر در جلسه مجمع عمومی برسد و یک نسخه آن در مرکز شرکت در پرونده مخصوص نگهداری شود.

ماده ۹- وظایف مجمع عمومی:

۱) وظایف مجمع عمومی عادی به قرار زیر است:

۲) و ۳) اصلاحی مورخ ۸۳/۴/۲۱

گونه اطلاعات درباره علامت تجاری، اختراقات، طرحها و روش‌های مورد نیاز برای انجام عملیات مندرج در موضوع شرکت.

ط) ایجاد شرکتهای فرعی و وابسته و شعب و نمایندگی‌ها و یا انحلال آنها پس از تصویب مجمع عمومی.

ی) شرکت از کلیه مزايا و معافیتهاي که به موجب قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران برای شرکتهای فرعی مقرر است برخوردار می باشد.

ک) شرکت مجاز است نسبت به فروش کالای اسقاط، مزاد و اختصاصی که در اختیار دارد حسب مقررات و ضوابط مربوط اقدام نماید.

ل) خریداری و تملک سهام شرکتهای دیگر با حق فروش و انتقال سهام مزبور طبق قوانین و مقررات مربوط پس از تصویب مجمع عمومی.

م) برنامه ریزی جهت جذب نیروی انسانی به منظور تأمین و تجهیز احتیاجات شرکت و تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی و کارآموزی کارکنان جهت ارتقاء سطح اطلاعات علمی، تخصصی، فنی و اجرایی آنها و اعزام کارکنان به آنان طبق مقررات مربوط.

ن) اعمال هر گونه حقوق و اختیاراتی که مجمع عمومی شرکت طبق مقررات این اساسنامه به آن تفویض نماید.

فصل سوم- ارگان شرکت

ماده ۷- ارگان شرکت:

- شرکت دارای ارگان زیر می باشد:

۱) مجمع عمومی

۲) هیأت مدیره و مدیر عامل

۳) بازرگان

ماده ۸- مجمع عمومی:

الف) نمایندگی صاحب سهام شرکت در مجمع عمومی با هیأت مدیره شرکت ملی گاز ایران می باشد.

م) تصویب فروش اموال غیرمنقول.^(۱)
ن) اتخاذ تصمیم درباره هر موضوع دیگری که با رعایت مفاد این اساسنامه در دستور جلسه مجمع عمومی قرار گیرد.

۲) وظایف مجمع عمومی فوق العاده به شرح زیر است:

- الف) تغییر یا اصلاح مواد اساسنامه و افزایش یا کاهش سرمایه شرکت.
- ب) اجازه تأسیس شرکت‌های فرعی و وابسته و شعب و نمایندگیها و یا برچیدن آنها در داخل و خارج از کشور.
- ج) انحلال و یا ادغام شرکت.

ماده ۱۰- هیأت مدیره:

الف) هیأت مدیره از ۳ یا ۵ عضو اصلی تشکیل می‌شود که یک نفر از آنان رئیس، یک نفر نائب رئیس هیأت مدیره خواهد بود. مدیر عامل از بین اعضای اصلی انتخاب می‌شود. مجمع عمومی می‌تواند حداقل ۲ نفر دیگر را نیز به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب نماید تا به دعوت رئیس جلسه هیأت مدیره در غیاب اعضای اصلی به جای آنان در جلسات هیأت مدیره انجام وظیفه نمایند. رئیس هیأت مدیره، مدیر عامل و سایر اعضاء اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره بنا به تصمیم مجمع عمومی منصوب می‌گردد.^(۲)

ب) مدیر عامل و سایر اعضاء هیأت مدیره برای مدت دو سال به این سمت انتخاب می‌شوند و در پایان مدت عضویت هیأت مدیره تجدید انتخاب آنان بلامانع است.

ج) در پایان مدت عضویت هیأت مدیره و تا وقتی که هیأت مدیره جدید انتخاب نشده است اعضای هیأت مدیره با اختیارات قبلی خود به خدمت ادامه خواهند داد.

ماده ۱۱- جلسات و تصمیمات هیأت مدیره:

الف) جلسات هیأت مدیره به دعوت و حضور رئیس هیأت مدیره و در غیاب ایشان توسط نائب رئیس هیأت مدیره و یا به پیشنهاد دو نفر از

(۲) و (۱) اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱

الف) رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر صورتهای مالی سال گذشته با توجه به گزارش سالیانه هیأت مدیره و گزارش بازرس. گزارش سالیانه هیأت مدیره و ترازنامه و حساب سود و زیان و صورتهای مالی شرکت و گزارش بازرس باید لااقل دو هفته قبل از تشکیل جلسه همراه با دعوتنامه مربوط به تشکیل مجمع در اختیار کلیه اعضاء مجمع عمومی قرار گیرد.

ب) بررسی و تصویب برنامه عملیات و فصول و ارقام بودجه‌های جاری و سرمایه‌ای شرکت. بودجه پیشنهادی باید لااقل دو هفته قبل از تشکیل جلسه از طرف هیأت مدیره یا مدیر عامل شرکت همراه با دعوتنامه مربوط به تشکیل مجمع در اختیار کلیه اعضاء مجمع عمومی قرار گیرد.

ج) اتخاذ تصمیم نسبت به دریافت وام و اعتبار و پرداخت وام و اعتبار به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و مقاصد شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

د) انتخاب، عزل و قبول استغفای مدیر عامل و سایر اعضاء هیأت مدیره.^(۱)
ه) انتخاب بازرس با رعایت قوانین جاری کشور.

و) تعیین حقوق و مزایای اعضاء هیأت مدیره و حق الزحمه بازرس.
ز) اخذ تصمیم برای ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری و تعیین داور با حق صلح و سازش به پیشنهاد هیأت مدیره با رعایت قوانین و مقررات کشور.
ح) تعیین خط مشی عمومی شرکت و تصویب برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت شرکت.

ط) تصویب نمودار کلی سازمان شرکت.
ی) اخذ تصمیم در خصوص ایجاد اندوخته‌های احتیاطی مورد نیاز شرکت و اجازه استفاده از ذخایر عمومی شرکت به پیشنهاد هیأت مدیره.

ک) اخذ تصمیم در خصوص پیشنهادات هیأت مدیره مربوط به انعقاد هر گونه قراردادهای مشارکت و خرید و فروش سهام شرکت‌های دیگر با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ل) بررسی پیشنهادات واصله در مورد تغییر تعریفهای گاز طبیعی و تصویب و یا عند‌الزوم کسب مجوز از مراجع ذیربطری.

(۱) اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱

ز) اخذ تصمیم نسبت به کلیه طرح‌ها و برنامه‌ها و هر گونه اقدام دیگری که برای انجام عملیات موضوع شرکت لازم و مقتضی باشد.

ح) اخذ تصمیم درباره کلیه پیشنهادات هر یک از اعضاء هیأت مدیره که برای حفظ حقوق و منافع شرکت لازم و در صلاحیت هیأت مدیره باشد.^(۱)

ط) اخذ تصمیم برای ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری و تعین داور با حق صلح و سازش با رعایت قوانین و مقررات کشور.

ی) مشارکت و اهتمام در تهیه و تنظیم مقررات و استانداردهای فنی و ایمنی و لزوم رعایت ضوابط و استانداردها در کلیه زمینه‌های بهره‌برداری، نگهداری تأسیسات و فراهم آوردن شرایط مناسب و لازم جهت استفاده بهینه و منطقی از گاز طبیعی.

ک) مراقبت و اهتمام لازم برای توسعه و پیشرفت فعالیتهای موضوعه شرکت از لحاظ علمی، فنی و اقتصادی و کوشش در افزایش استفاده از روش‌های پیشرفته در طراحی، ساخت و اجراء طرح‌های توسعه‌ای.

ل- اهتمام و کوشش به منظور ارتقاء سطح دانش و معلومات تخصصی نیروی انسانی در جهت توسعه امر فعالیتهای موضوعه شرکت و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی.

م) کوشش در اداره امور شرکت بر مبنای بنگاه‌های اقتصادی، بهینه‌سازی و بهره‌وری مناسب از امکانات و منابع و برقراری نظامهای حسابداری صنعتی.^(۲)

ماده ۱۳- وظایف و اختیارات مدیرعامل:

- مدیرعامل به عنوان بالاترین مقام اجرایی شرکت مسئول حسن جریان کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شرکت می‌باشد و برای اداره امور شرکت و اجرای مصوبات هیأت مدیره و مجمع عمومی دارای همه گونه حقوق و اختیارات تام و تمام است و نمایندگی شرکت را در مقابل کلیه مقامات قضایی و کشوری و لشکری و مؤسسات و اشخاص با حق توكیل غیر دارد.

مدیرعامل می‌تواند تمام یا قسمی از اختیارات اجرائی خود را به هر یک از

(۱) اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱

(۲) طبق مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱ مجمع عمومی فوق العاده، بندهای «ی، ک، ل، م» از ذیل ماده ۵ به ذیل ماده ۱۲ انتقال یافت.

اعضاء هیأت مدیره تشکیل می‌شود.^(۱)

ب) جلسات هیأت مدیره با حضور حداقل ۳ نفر از اعضاء اصلی و علی‌البدل رسمیت می‌یابد و تصمیمات با سه رأی موافق قابل اجرا می‌باشد.^(۲)

ج) اعضاء علی‌البدل در جلسات هیأت مدیره شرکت خواهند نمود و در غیاب هر یک از اعضاء اصلی یکی از اعضاء علی‌البدل به دعوت رئیس جلسه به جای عضو غایب دارای حق رأی می‌باشد.

د) تصمیمات هیأت مدیره و خلاصه مذاکرات آن پس از تصویب به امضای حاضرین در جلسه خواهد رسید و توسط یکی از کارکنان واجد صلاحیت شرکت که به عنوان دبیر به پیشنهاد مدیر عامل توسط هیأت مدیره انتخاب خواهد شد در دفتر صورت جلسات هیأت مدیره ثبت می‌گردد و به امضاء مدیر عامل و دبیر هیأت مدیره می‌رسد.

ماده ۱۲- وظائف و اختیارات هیأت مدیره:

- هیأت مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای همه گونه اختیار برای اداره امور شرکت و انجام وظایف مربوط به موضوع شرکت می‌باشد. اختیارات و وظایف هیأت مدیره از جمله شامل موارد مشروحه زیر است:

الف) اجرای تصمیمات مجمع عمومی.

ب) رسیدگی و تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و تهیه گزارش هیأت مدیره برای تقدیم به مجمع عمومی.

ج) رسیدگی به بودجه تفصیلی شرکت و اصلاح بودجه و اعتبارات به پیشنهاد مدیر عامل در حدود اختیاراتی که از طرف مجمع عمومی به هیأت مدیره تفویض شده باشد.

د) تهیه برنامه عملیات و فصول و ارقام کلی بودجه جاری و سرمایه‌ای شرکت برای تسلیم به مجمع عمومی جهت تصویب.^(۳)

ه) اخذ تصمیم نسبت به معاملات و قراردادها طبق مقررات مربوط به معاملات شرکت.

و) بررسی و تنظیم پیشنهاد دریافت و پرداخت اعتبار و وام جهت تقدیم به مجمع عمومی برای تصویب.

(۳) و (۲) و (۱) اصلاحی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۱

مدیر عامل می تواند حق امضاء خود را به تشخیص و مسئولیت خود به کارکنان شرکت و آگذار نماید.

تصویب هیأت مدیر خواهد رسید تعیین و مشخص خواهد شد.

۱۵- بازرس

- بازرس قانونی شرکت طبق قوانین و مقررات جاری کشور انتخاب خواهد شد.

۱۶- ماده وظایف بازرس

- وظایف بازرس، به قرار زیر می باشد:

الف) تطبیق عملیات شرکت با برنامه و بودجه مصوب.
 ب) رسیدگی به تراز نامه و حساب سود و زیان شرکت و تصدیق مطابقت آنها
 با دفاتر شرکت و تهیه گزارش عملیات شرکت برای تقدیم به مجمع عمومی
 گزارش مزبور باید لااقل بیست (۲۰) روز قبل از جلسه مجمع عمومی که در
هزار دادمه هر سال تشکیل می شود. نسخه ای به رئیس هیأت مدیره و نسخه
 دیگری به مدیر عامل تسلیم شود که به ضمیمه گزارش هیأت مدیره با تراز نامه و
 حساب سود و زیان شرکت به مجمع عمومی تقدیم گردد.

ج) مطالعه گزارش سالیانه هیأت مدیره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن.
د) بازرس موظف است در هر مورد که لازم باشد مراتب را به هیأت مدیره و
مجموع عمومی کتاب گزارش دهد.

✓ ماده ۱۷ - حدود اختیارات بازرس:

الف) بازرس حق مراجعه به کلیه دفاتر و استناد و مدارک و قراردادهای شرکت را دارد.

ب) بازرس می‌تواند نظریات خود را به رئیس هیأت مدیره و یا مدیرعامل اطلاع دهد و از مدیرعامل بخواهد اطلاعات و مدارک را در اختیار وی بگذارد.

ج) اجرای وظائف بازرس که بر طبق مقررات این اساسنامه تعیین شده باید به

هیچ وجه مانع جریان عادی کار شرکت گردد.

اعضاء هیئت مدیره و رؤسای قسمتهای شرکت به مسئولیت خود تفویض کند
تا اداره عملیات مختلف شرکت را که به این طریق به آنها محوّل می‌گردد زیرا
نمازی، نواب، عامله گردند.^(۱)

نظر مستعیم وی بر چهار زیر اختیارات و ظایف مدیرعامل شامل موارد زیر نیز می باشد:

الف) استخدام، نصب، عزل، ارتقاء و اعطای پاداش و اضافه حقوق و مزايا و برقراری فوق العاده های کارکنان و به طور کلی اخذ تصمیم درباره کلیه امور انتظامی و آموزش کارکنان شرکت طبق مقررات و آینین نامه های مربوط.

استخدامی و امورس بردیان سرت سبب روزگاری این موارد
ب) باز کردن حساب و پرداخت و دریافت وجوده نزد بانکها و مؤسسات مالی
کشور طبق قوانین و مقررات جاری کشور، در این موارد

با اعضای مدیر عامل و امضاًی یکی از اعضاًی عالی رتبه شرکت ترجیحاً مدیر مالی عمل خواهد شد. مدیر عامل می تواند حق امضاًی خود را به هر یک از کارمندان شرکت به تشخیص و مسئولیت خود واگذار نماید.^(۲)

ج) تعیین امضاهای مجاز و تعهدآور برای شرکت.
 د) تعیین وظائف و حدود اختیارات و مسئولیتهای واحدهای مختلف شرکت در
 هر شعبه کارخانه ایانه از کارخانه کل شرکت.

حدود سیگیار و سارسی سی سرمه.
ه) اعمال نظارت‌های مالی و محاسباتی و حسابرسی نسبت به عملیات و معاملات و مخارج شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته و بازرگانی در کلیه امور شرکت و شعب و نمایندگیها و مؤسسه‌های تابعه شرکت.

۱۴ - حق امضاء

الف) کلیه قراردادها و اسناد مالی که مستلزم قبول تعهد و یا واگذاری حقی از طرف شرکت باشد با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره که بر حسب مورد از طرف هیأت مدیره تعیین خواهد شد، معتبر می‌باشد. مدیرعامل و عضو صاحب امضاء هر یک می‌توانند حق امضای خود را به کارمندان شرکت انتخاب و مسئله لست خود بس از اطلاع هیأت مدیره واگذار نمایند.

ب) مکاتبات و سایر اوراق مربوط به امور اداری و مالی و پرسنلی و جاری غیربند (الف) فوق شرکت با امضای مدیرعامل و یا کسانی که از طرف او حق امضاء دارند صادر می‌شود.

١٣٨٣/٤/٢١ ، (١) اصلاحی، مورخ (٢)

فصل چهارم- ترازنامه و حساب سود و زیان

ماده ۱۸- سال مالی:

سال مالی شرکت از اول فروردین ماه هر سال شروع می‌شود و در آخر اسفندماه همان سال خاتمه می‌باید و کلیه دفاتر شرکت به تاریخ روز آخر سال مالی بسته می‌شود. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش هیأت مدیره باید لااقل سی (۳۰) روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی تهیه و به بازارسان تسلیم شود.

ماده ۱۹- ترازنامه:

در ترازنامه اقلام دارای شرکت به بهای خرید یا تمام شده پس از استهلاک منظور می‌شود. مطالبات مشکوک به ارزش احتمالی روز تنظیم ترازنامه احتساب می‌گردد. اقلام سوخت شده نباید جزو دارای شرکت منظور شود.

ماده ۲۰- استهلاک، ذخیره عمومی و اندوخته‌ها:

میزان استهلاک نسبت به انواع دارایی‌های شرکت همچنین میزان ذخیره عمومی و اندوخته‌های دیگر شرکت تابع مقررات قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران خواهد بود.

فصل پنجم- سایر مقررآت

ماده ۲۱- مقررات و آیین نامه‌های شرکت و تأمین رفاه کارکنان آن:

(الف) شرکت طبق قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران از کلیه مزايا و معافیتهایی که در قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مقرر گردیده است برخوردار می‌باشد.

(ب) معاملات و قراردادهای شرکت به موجب آیین نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران و سایر قوانین و مقررات مربوط انجام می‌شود.

(ج) آیین نامه‌ها و مقررات اداری، استخدامی، بازنیستگی و پس انداز، مالی، فنی، مهندسی، حسابداری و حسابرسی و معاملات و سایر آیین نامه‌ها و مقررات

شرکت ملی گاز ایران در شرکت لازم‌الاجرا است. در مواردی که برای حسن انجام امور شرکت آیین نامه‌ها و مقررات خاصی مورد نیاز باشد و یا آیین نامه‌ها و مقررات شرکت ملی گاز ایران قابل انطباق با احتیاجات شرکت نباشد هیأت مدیره می‌تواند موضوع را بررسی و پیشنهادات لازم را جهت اخذ تصمیم به مجمع عمومی تقدیم نماید.

(د) شرکت در تهیه مسکن و تأمین رفاه و بهداشت و فرهنگ و آموزش و تفریحات سالم کارکنان خود و کمکهای اجتماعی به آنان و حفاظت آنان در مقابل حوادث اهتمام به عمل خواهد آورد.

ماده ۲۲- موارد پیش‌بینی نشده:

مواردی که در این اساسنامه پیش‌بینی نگردیده طبق قانون اساسنامه شرکت ملی گاز ایران یا قانون تجارت و اصلاحیه‌های آن عمل خواهد شد.

ماده ۲۳- تصویب اساسنامه:

این اساسنامه که مشتمل بر ۲۳ ماده و ۱ تبصره می‌باشد در تاریخ ۷۷/۶/۸ در اولین جلسه مجمع عمومی شرکت تصویب و در تاریخ ۸۳/۴/۲۱ نیز موادی از آن توسط مجمع عمومی فوق العاده اصلاح گردید.

فصل دوم

موضوع - وظایف - حقوق و اختیارات شرکت

ماده ۵- موضوع شرکت عبارتست از:

الف: تهیه و به عمل آوردن انواع گاز من جمله گاز طبیعی، گاز طبیعی مایع، گاز مایع و گاز مصنوعی و ایجاد وسایل و تأسیسات لازم برای نیل به این مقصود.
ب: مطالعه و تهیه و تنظیم و اجرای طرح‌های احداث خطوط لوله و شبکه‌های توزیع گاز طبیعی همچنین تهیه و احداث وسایل حمل و نقل و توزیع و ذخیره‌سازی انواع گاز و مشتقات آن.
ج: حفاظت و نگهداری و اداره عملیات مربوط به خطوط لوله و شبکه‌های توزیع گاز طبیعی و تأسیسات مربوط به انواع گاز و مشتقات آن.
د: حمل و نقل و توزیع و فروش انواع گاز و مشتقات آن.
ه: صدور انواع گاز و مشتقات آن به خارج از کشور و فروش آنها به منظور صادرات.

و: تنظیم مقررات مربوط به ایمنی و طرز استفاده از وسایل توزیع گاز و همچنین استانداردهای مربوط به صنعت گاز بر اساس استانداردهای ملی و بین‌المللی.

ز: هر گونه اقدام دیگر مرتبط با صنعت گاز با موافقت مجمع عمومی.
ماده ۶- به منظور تأمین مقاصد و انجام عملیات مذکور در ماده ۵ این اساستامه

شرکت دارای حقوق و اختیارات زیر می‌باشد:

الف: مشارکت با مؤسسات و شرکت‌های ایرانی و خارجی واجد صلاحیت فنی و مالی برای به عمل آوردن و مایع نمودن و پخش و فروش و حمل و نقل و صدور انواع گاز طبیعی و مشتقات آن طبق مقررات این اساستامه و قوانین مربوط.

ب: ایجاد شرکت‌های فرعی و شرکت‌های وابسته و شعبه‌ها و نمایندگی‌ها در ایران و خارج از ایران با رعایت بند الف ماده ۵ اساستامه شرکت ملی نفت ایران.

ج: انعقاد قرارداد با خریداران به منظور صدور و فروش و پخش و حمل و نقل

فصل اول

کلیات و سرمایه

ماده ۱- نام شرکت، شرکت ملی گاز ایران است که بموجب بند الف ماده ۵ اساستامه شرکت ملی نفت ایران بصورت شرکت سهامی تشکیل می‌شود و شرکت فرعی شرکت ملی نفت ایران است.

ماده ۲- مرکز اصلی شرکت در تهران است و شرکت می‌تواند شعب یا نمایندگی‌هایی برای اجرای عملیات خود در داخل و خارج کشور تأسیس نماید.

ماده ۳- مدت شرکت نامحدود است.

ماده ۴- سرمایه شرکت که تمام آن از طرف صاحب سهام پرداخت شده است مبلغ ۷۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال است که به ۷۶ هزار سهم ده میلیون ریالی با نام تقسیم می‌گردد. کلیه سهام شرکت ملی گاز ایران متعلق به شرکت نفت ایران و غیر قابل انتقال می‌باشد. هر گونه افزایش در سرمایه شرکت منوط به تأیید مجمع عمومی فوق العاده شرکت و تصویب نهایی هیأت وزیران است.^۱

۱- بموجب تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۲/۲/۲۲ هـ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۵ ت شماره ۱۳۸۲/۲/۲۲ هـ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۵ هیأت وزیران، سرمایه شرکت به مبلغ ۵,۵۸۶,۷۸۶ میلیون ریال افزایش یافته است.

انواع گاز و مشتقات آن.

تبصره ۱- قراردادهای مشارکت که به منظور تولید و پخش و حمل و نقل و صدور و فروش انواع گاز و مشتقات آن منعقد می‌شود. پس از تصویب مجمع عمومی شرکت و با رعایت مقررات قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی قابل اجراء خواهد بود.

تبصره ۲- در مورد هر قراردادی که در اجرای عملیات موضوع این ماده دولت نیز علاوه بر شرکت به عنوان طرف اول آنرا امضاء کند شرکت به عنوان نماینده دولت عمل خواهد کرد.

د: تصدی هر نوع عمل بازرگانی مربوط به تهیه و به عمل آوردن و صدور و فروش انواع گاز و مشتقات آن.

ه: دریافت وام یا اعتبار از منابع داخلی یا خارجی و اعطاء وام یا اعتبار به اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از داخلی یا خارجی به منظور اجراء مقاصد شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

و: خرید و اجاره و تأسیس و تکمیل و توسعه و تعمیر و اداره کارخانه‌ها و دستگاه‌ها و تأسیسات و سایلی که برای انجام مقاصد شرکت لازم باشد. همچنین ایجاد و به کار آنداختن راه‌آهن و یا بندر و انواع سرویس‌های مخابراتی با سیم و بی‌سیم و هوایپمایی و کشتیرانی در مواردی که عملیات شرکت ایجاد نماید با اجاره قبلی دولت.

ز: اقدام به هر گونه عملیات برای استفاده از زمین‌هایی که در اختیار شرکت است به منظور انجام مقاصد مذکور در این اساسنامه با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ح: شرکت می‌تواند در حوزه عملیات و برای مصارف خود در اراضی بایر متعلق به دولت یا بalamک از آب و همچنین از هر نوع سنگ و خاک و شن و ماسه و سنگ آهک و سنگ گچ بدون پرداخت حقوق دولتی با رعایت تبصره ماده ۷ این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط استفاده نماید. اگر عمل شرکت برای استفاده از مواد مذکور موجب ضرر شخص ثالث گردد. شرکت باید خسارت را جبران نماید ولی در هر صولت شخص ثالث نمی‌تواند مانع عملیات شرکت شود.

تبصره ۳- شرکت می‌تواند با تصویب مجمع عمومی هر یک از شرکتهای

وابسته را به شرط اینکه مالکیت بیش از پنجاه درصد سهام آنها متعلق به شرکت باشد از معافیت‌ها و مزایای موضوع این ماده برخوردار نماید.

ط: اقدام به انعقاد قراردادهای استخدام یا خدمات یا مشاوره با مؤسسات و اشخاص اعم از داخلی و خارجی.

ی: درخواست ثبت پروانه‌های اختراع و تملک حق اختراع با تراضی دارنده حق و تحصیل حق استفاده و هر گونه اطلاعات درباره اختراعات و طرح‌ها و طریقه‌های مربوط به صنعت گاز و صنایع وابسته به آن در حدود قوانین و مقررات مربوط.

ک: انجام برخی از عملیات شرکت در موارد مقتضی به وسیله نمایندگی‌ها یا پیمانکاران.

ل: مقررات مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران در مورد اراضی و اعیان مورد نیاز برای انجام عملیات شرکت نیز قابل اجرا است.

م: شرکت می‌تواند با تصویب مجمع عمومی بر حسب مصلحت و اقتضاء در مورد بعضی از شرکتهای فرعی و وابسته خود که در پخش و فروش انواع گاز و مشتقات آن فعالیت می‌کنند تا ۹۹ درصد سهام متعلق به خود را طبق قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی به کارکنان ایرانی شرکت و شرکتهای مزبور یا ایرانیان دیگر به فروش برساند.

ماده ۷- مالیات بر درآمد شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن بر اساس نرخ و مقررات قانونی مربوط به مالیات بر درآمد شرکتهای نفتی از سود ویژه وصول خواهد شد و هیچ گونه مطالبه دیگری از شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن تحت عنوان مالیات و یا عوارض و حقوق و غیره زائد بر آنچه طبق مقررات قانونی از شرکتهای نفتی قابل وصول باشد جایز خواهد بود. منافع شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن از فعالیتهای غیرمربوط به صنعت گاز مشمول مقررات عمومی مالیاتی کشور خواهد بود.

تبصره- حقوق و عوارضی که طبق قوانین از طرف مقامات دولتی یا محلی در ازای خدمات مورد درخواست شرکت یا شرکتهای فرعی و وابسته آن و یا خدماتی که معمولاً برای عموم انجام می‌شود مطالبه می‌گردد از شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن نیز قابل وصول است.

ماده ۸- شرکت می‌تواند هزینه و تعهدات ارزی خود را در داخل و خارج

فصل سوم

ارکان شرکت

کشور در حدود بودجه مصوب از درآمدهای ارزی خود بپردازد. شرکت در اول هر سال موافقت مقامات قانونی مربوط را برای استفاده از اعتبارات ارزی سالانه خود یکجا تحصیل و صورت هزینه‌های ارزی را هر سه ماه یک مرتبه به مقامات مذکور و خزانه تسليم خواهد نمود.

ماده ۹- شرکت دارای ارکان زیر می‌باشد:

- ۱- مجمع عمومی
- ۲- هیأت مدیره و مدیرعامل
- ۳- بازرسان

قسمت اول

مجمع عمومی نمایندگان صاحب سهام

ماده ۱۰- نمایندگان صاحب سهام در مجمع عمومی عبارتند از:

نخست وزیر
وزیر امور اقتصادی و دارایی
وزیر نیرو
وزیر صنایع و معادن
وزیر کار و امور اجتماعی
وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
یک وزیر دیگر به انتخاب نخست وزیر

دو نفر از مدیران شرکت ملی نفت ایران با انتخاب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران.

تبصره- ریاست جلسه مجمع عمومی با نخست وزیر و در غیاب نخست وزیر با یکی از وزرای حاضر در جلسه با تعیین قبلی نخست وزیر خواهد بود.

ماده ۱۱- جلسات مجمع عمومی در تیرماه هر سال برای رسیدگی به ترازنامه و در آبانماه همان سال به منظور رسیدگی و تصویب بودجه به طور عادی تشکیل می‌گردد و تا موقعی که نسبت به موضوع مندرج در دستور جلسه

تصمیمی اتخاذ نشده جلسات ادامه خواهد داشت و در جلسات مذکور اضافه بر ترازنانه و بودجه ممکن است بر حسب پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل یا طبق نظر رئیس مجمع عمومی موضوعات دیگری نیز در دستور مذاکرات قرار گیرد.

ماده ۱۲ - دعوت برای تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق العاده از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت به عمل می آید. در صورتی که رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل اقدام به دعوت مجمع عمومی ننماید رئیس مجمع عمومی رأساً مجمع عمومی را دعوت خواهد نمود. دستور جلسه مجمع عمومی در دعوت نامه قید می شود.

ماده ۱۳ - جلسات مجمع عمومی در مرکز شرکت در تهران با حضور رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و در غیاب او با قائم مقامی که از طرف او بدین منظور تعیین و معرفی خواهد شد تشکیل می شود.

تبصره - علاوه بر رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل اعضای هیأت مدیره و بازرسان شرکت نیز می توانند بدون داشتن حق رأی در جلسات مجمع عمومی شرکت نمایند.

ماده ۱۴ - جلسات مجمع عمومی با حضور حداقل شش نفر رسیمه خواهد یافت و برای اعتبار تصمیمات در هر مورد پنج رأی موافق ضرورت دارد.

ماده ۱۵ - مجمع عمومی یک نفر را به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل به سمت دبیر مجمع عمومی انتخاب خواهد نمود. صورت جلسات مجمع عمومی پس از تصویب به امضاء رئیس مجمع عمومی می رسد و در پرونده مخصوص نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۶ - وظایف مجمع عمومی به قرار زیر است:

الف - رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنانه و حساب سود و زیان شرکت با توجه به گزارش سالانه هیأت مدیره و گزارش بازرسان. گزارش سالانه هیأت مدیره و ترازنانه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش بازرسان باید لااقل دو هفته قبل از تشکیل جلسه در اختیار کلیه اعضای مجمع عمومی قرار گیرد.

ب: بررسی و تصویب برنامه عملیات و فصول و ارقام کلی بودجه جاری و سرمایه‌ای شرکت. بودجه پیشنهادی باید لااقل دو هفته قبل از تشکیل جلسه از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت برای کلیه اعضای مجمع عمومی

فرستاده شود.

ج: اتخاذ تصمیم نسبت به میزان ذخیره‌های عمومی شرکت به پیشنهاد هیأت مدیره.

د: اجازه استفاده از ذخیره‌های شرکت به پیشنهاد مدیره. هـ اتخاذ تصمیم نسبت به قراردادهای مشارکت به منظور تولید و پخش و حمل و نقل و صدور انواع گاز و مشتقان آن.

و: اتخاذ تصمیم نسبت به تشکیل و یا انحلال شرکتهای فرعی و وابسته شرکت و هر گونه فعالیت صنعتی و یا بازرگانی دیگر مربوط به مقاصد شرکت.

ز: پیشنهاد یک نفر از افراد واحد صلاحیت به هیأت وزیران جهت انتصاب به سمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت.

ح: انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل.

ط: انتخاب بازرسان.

ی: تعیین حقوق رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت و اعضای اصلی هیأت مدیره و بازرسان با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ک: تعیین خط مشی عمومی شرکت.

ل: اظهار نظر نسبت به هر گونه پیشنهاد راجع به اصلاح یا تغییر مواد اساسنامه شرکت که برای اخذ تصمیم نهایی و تقدیم به قوه مقننه به دولت تسلیم خواهد شد. پیشنهاد اصلاح یا تغییر اساسنامه باید از طرف رئیس مجمع یا رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت یا لااقل دو نفر از اعضای مجمع عمومی به عمل آید. م: اتخاذ تصمیم در مورد افزایش سرمایه شرکت و پیشنهاد تصویب آن به دولت.

ن: اتخاذ تصمیم درباره هر موضوع دیگری که با رعایت مفاد این اساسنامه در دستور جلسه مجمع عمومی قرار گیرد.

س: هر گاه مجمع عمومی بازرگانی قسمتی از علمیات شرکت را لازم تشخیص دهد به وسیله بازرسان اقدام خواهد شد.

قسمت دوم

هیأت مدیره و مدیرعامل

شد. اعضاء علی البدل هیأت مدیره منحصراً از بین کارمندان عالی رتبه شرکت انتخاب می شوند.

تبصره- لااقل چهار نفر از اعضای اصلی هیأت مدیره باید از میان کارمندان واحد شرایط صنایع نفت و گاز و پتروشیمی انتخاب شوند.

ماده ۲۰- انتخاب مجدد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره در پایان مدت مدیریت آنها بلامانع است. در پایان مدت عضویت رئیس و اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره تا وقتی که هیأت مدیره جدید انتخاب نشده است، اعضای هیأت مدیره امور شرکت را اداره خواهند کرد.

ماده ۲۱- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره موظفاً انجام وظیفه خواهند کرد و باید تمام وقت در اختیار شرکت باشند و هیچ نوع شغل در خارج از شرکت قبول نکنند. اشتغال مدیران در اموری که صرفاً جنبه تدریس داشته باشد و عضویت در شوراهای و مجامع فرهنگی و اجتماعی به صورت افتخاری بدون دریافت حقوق با موافقت کتبی رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مجاز خواهد بود.

تبصره- ۱- هر یک از اعضای هیأت مدیره که از مقررات این ماده تخلف نماید از سمت خود مستغفی شناخته خواهد شد.

تبصره- ۲- عضویت اعضای هیأت مدیره در هیأتهای مدیره و هیأت‌های بازرگانی شرکتهای فرعی و وابسته موكول به تصویب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت خواهد بود و از این بابت وجهی دریافت نخواهند نمود.

ماده ۲۲- آن عده از اعضای هیأت مدیره که از بین کارمندان صنایع نفت، گاز و پتروشیمی انتخاب می شوند از لحاظ بازنیستگی تابع شرایط و مقررات عمومی مربوط به کارمندان شرکت ملی نفت ایران می باشند. ادامه خدمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل پس از رسیدن به سن بازنیستگی منوط به تصویب مجمع عمومی و تأیید هیأت وزیران و ادامه خدمت اعضای اصلی و علی البدل هیأت مدیره پس از رسیدن به سن بازنیستگی منوط به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تصویب مجمع عمومی می باشد.

ماده ۲۳- جلسات هیأت مدیره بر حسب تشخیص و به دعوت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و یا با پیشنهاد دو نفر از اعضای هیأت مدیره تشکیل خواهد

ماده ۱۷- هیأت مدیره از ۵ نفر عضو اصلی که یکی از آنها رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل خواهد بود و دو نفر عضو علی البدل که در غیاب عضو اصلی حضور می باشند تشکیل خواهد شد. در غیاب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل ریاست جلسات هیأت مدیره با قائم مقام رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل خواهد بود که قبل از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل از بین اعضاء اصلی هیأت مدیره تعیین شده باشد.

ماده ۱۸- مجمع عمومی برای انتخاب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل یک نفر از افراد واحد صلاحیت را پیشنهاد می نماید که با تأیید هیأت وزیران ... برای مدت شش سال به این سمت منصوب خواهد شد. اعضای اصلی هیأت مدیره بنا به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تصویب مجمع عمومی برای مدت سه سال انتخاب و ... به این سمت منصوب می شوند. اعضاء علی البدل هیأت مدیره بنا به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تصویب مجمع عمومی برای مدت سه سال تعیین می شوند. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل افراد واحد صلاحیت را برای انتخاب عضویت اصلی و علی البدل هیأت مدیره به مجمع عمومی پیشنهاد می نماید. انتخاب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مدیران قبل از انقضای مدت مذکور با رعایت ترتیب مقرر در این ماده انجام پذیر خواهد بود.

ماده ۱۹- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره باید ایرانی باشند. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل از بین کارمندان صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران که اقلًا پانزده سال سابقه خدمت در صنایع مزبور را داشته و حداقل پنج سال عضو هیأت مدیره صنایع مذکور باشد و یا از بین اشخاصی که سابقه خدمات بر جسته دولتی و یا اجتماعی داشته باشند انتخاب خواهد شد.

اعضای هیأت مدیره از بین کارمندان صنایع مذکور که اقلًا ده سال سابقه خدمت داشته و لااقل پنج سال عهده دار مشاغل مهمی در این صنایع بوده اند و یا از بین متخصصین بر جسته دیگر که سابقه اشتغال در مدیریت مؤسسات صنعتی مهم و یا امور مالی و اقتصادی و حقوقی داشته باشند انتخاب خواهند

شد.

ماده ۲۴- جلسات هیأت مدیره به ریاست رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و در غیاب او به ریاست قائم مقام وی و با حضور لاقل سه نفر از اعضای اصلی و یا علی‌البدل هیأت مدیره رسیدت می‌یابد. تصمیمات هیأت مدیره با اکثریت سه رأی قابل اجرا می‌باشد.

تبصره- صورت جلسات هیأت مدیره پس از تصویب به امضای رئیس جلسه می‌رسد و در مرکز شرکت نگهداری می‌گردد. هر قسمت از مذاکرات که هیأت مدیره آنرا محترمانه تلقی کند محترمانه بودن آن باید در صورت جلسه قید شود.

وظائف و اختیارات هیأت مدیره

ماده ۲۵- هیأت مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای همه گونه اختیار برای اجرای وظایف مصروف در این اساسنامه از جمله وظایف و اختیارات زیر می‌باشد:

الف: اجرای تصمیمات مجمع عمومی

ب: تأسیس شعب و نمایندگی‌ها و یا برچیدن آنها در داخل کشور و خارج از کشور.

ج: تصویب تشکیلات و سازمان کلی شرکت بنا به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

د: تهیه برنامه عملیات و فصول و ارقام کلی بودجه جاری و سرمایه‌ای شرکت برای تسليم به مجمع عمومی.

ه: تهیه گزارش هیأت مدیره و ترازنامه سالانه و حساب سود و زیان برای تصویب مجمع عمومی و پیشنهاد دستور جلسه مجمع عمومی.

و: تصویب بودجه تفصیلی شرکت و تصویب اصلاح بودجه و اعتبارات به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل در حدود اختیاراتی که از طرف مجمع عمومی به هیأت مدیره تفویض می‌شود.

ز: تهیه برنامه عملیات و تعیین خط مشی و سیاست کلی شرکت برای تسليم به مجمع عمومی.

ح: اخذ تصمیم نسبت به معاملات و قراردادها طبق آیین‌نامه معاملات شرکت.

ط: اخذ تصمیم نسبت به مشارکت با اشخاص و مؤسسات و شرکت‌های ایرانی و خارجی و پیشنهاد به مجمع عمومی برای تصویب.

ی: پیشنهاد تشکیل یا انحلال شرکت‌های فرعی و وابسته به مجمع عمومی که اخذ تصمیم نسبت به برنامه‌های شرکت و هر گونه اقدام دیگری که در حدود عملیات موضوع شرکت برای اداره آن لازم باشد.

ل: دادن اختیارات برای سازش و تعیین داور در مورد اختلافات و دعاوی شرکت و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق شرکت لازم باشد.

م: اخذ تصمیم درباره کلیه پیشنهادهای رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل که برای حفظ حقوق شرکت لازم و در صلاحیت هیأت مدیره باشد.

ن: تصویب و اصلاح اساسنامه‌های شرکت‌های فرعی و انجام وظایفی که به موجب مقررات اساسنامه‌های شرکت‌های فرعی بر عهده مجتمع عمومی آن شرکتها محول گردیده است و به طور کلی اعمال کلیه حقوق شرکت در شرکتها فرعی.

هیأت مدیره در این موارد به عنوان مجمع عمومی شرکتها فرعی اتخاذ تصمیم می‌نماید.

س: تعیین سیاست کلی فروش و پخش و صدور فراورده‌های شرکت.

ع: تصویب معاملات غیرمنتقل شرکت.

ف: آیین‌نامه‌ها و مقررات استخدامی، بازنیستگی، اداری، فنی، حسابداری، حسابرسی و معاملاتی و مالی شرکت ملی نفت ایران که به تصویب مجمع عمومی آن شرکت رسیده باشد در شرکت ملی گاز لازم‌اجراء خواهد بود. در مواردی که آیین‌نامه‌ها و مقررات مزبور قابل انطباق با احتیاجات و عملیات شرکت نبوده و یا اجرای آن از لحاظ شرکت ملی گاز ممکن نباشد هیأت مدیره می‌تواند پس از بررسی موضوع پیشنهادهای لازم را برای اخذ تصمیم به مجمع عمومی تسليم نماید.

ص: پیشنهاد استفاده از ذخیره عمومی شرکت به مجمع عمومی.

ق: تعیین حقوق اعضای علی‌البدل هیأت مدیره با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ر: اخذ تصمیم نسبت به فروش انواع گاز و مستقات آن.

وظایفت و اختیارات رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل

ماده ۲۶- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل بالاترین مقام اجرایی و اداری شرکت

قسمت سوم بازرسان

ماده ۲۷- مجمع عمومی دو نفر بازرسن برای مدت یک سال از میان اشخاص ذیصلاحیت انتخاب می‌نماید. انتخاب مجلد هر یک از بازرسان به این سمت بلامانع است و تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده بازرسان به خدمت خود ادامه خواهد داد.

ماده ۲۸- در صورت استعفا یا فوت یا تغییر شغل یا برکناری از خدمت هر یک از بازرسان مجمع عمومی به طور فوق العاده تشکیل می‌شود و جانشین او را به نحو مقرر در ماده ۲۷ تعیین می‌نماید.

ماده ۲۹- بازرسان می‌تواند به هنگام ضرورت از خدمات حسابداران و حسابرسان شرکت استفاده کند و همچنین برای انجام وظایف خود از کارشناسان و حسابرسان اعم از داخلی و خارجی به طور موقت استفاده نمایند. برای این منظور بازرسان به رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت مراجعه خواهد نمود و رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مکلف است نظر بازرسان را تأمین نماید.

ماده ۳۰- وظایف و اختیارات بازرسان به قرار زیر است:

الف: تطبیق عملیات شرکت با بودجه مصوب.

ب: رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و تصدیق مطابقت آنها با دفاتر شرکت و تهیه گزارش و اظهار نظر در مورد عملیات شرکت برای تقدیم به مجمع عمومی. گزارش مزبور باید لااقل بیست روز قبل از جلسه مجمع عمومی که در تیرماه هر سال تشکیل می‌شود به رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل تسلیم شود که با گزارش هیأت مدیره و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت به مجمع عمومی تقدیم گردد.

ج: مطالعه گزارش سالانه هیأت مدیره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن.

د: بازرسان موظف هستند عملیات مالی و محاسباتی و همچنین حساب دارایی و بدھی شرکت را هر سال لااقل دو مرتبه رسیدگی نمایند و در صورتی که نظری نسبت به آن داشته باشند مورد را به رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل گزارش دهند. هر گاه نسبت به این گزارش اقدام به عمل نیاید بازرسان مراتب

بوده و بر کلیه سازمانهای تابع شرکت ریاست دارد و مسئول حسن جریان کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شرکت می‌باشد و برای اداره امور شرکت و اجرای مصوبات هیأت مدیره و مجمع عمومی دارای همه گونه حقوق و اختیار در حدود مقررات این اساسنامه و بودجه مصوب می‌باشد و نمایندگی شرکت را در مقابل کلیه مقامات قضائی و کشوری و لشکری و مؤسسات و اشخاص اعم از ایرانی و خارجی یا حق توکیل غیر خواهد داشت و می‌تواند تمام یا قسمی از اختیارات خود را به هر یک از اعضاء هیأت مدیره و رؤسای قسمت‌های شرکت به مسئولیت خود تفویض کند تا اداره عملیات مختلف شرکت را که به این طریق به آنها محول می‌گردد زیر نظر مستقیم وی بر عهده گیرند. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ریاست مجتمع عمومی هر یک از شرکت‌های فرعی را نیز بر عهده خواهد داشت. اختیارات و وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت شامل موارد زیر می‌باشد:

الف: نصب و عزل و ارتقاء و اعطای پاداش و اضافه حقوق و مزايا و اخذ تصمیم درباره کلیه امور استخدامی کارکنان شرکت اعم از ایرانی و یا خارجی طبق آینه‌های شرکت.

ب: تعیین امضاء‌های مجاز و تعهدآور برای شرکت.

ج: دریافت و پرداخت وجهه و باز کردن حساب ریالی و ارزی در بانکهای داخلی و خارجی با رعایت مقررات مربوط با امضاء رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و امضا یک عضو هیأت مدیره خواهد بود. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل می‌تواند یک یا چند نفر از اعضای هیأت مدیره را به این منظور انتخاب و معرفی نماید. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و عضو منتخب مزبور می‌توانند حق امضاء خود را به هر یک از کارمندان شرکت به تشخیص و مسئولیت خود واگذار نمایند.

د: اعمال کلیه حقوق شرکت و نظارت در امور شرکت‌های فرعی و وابسته و شعب و نمایندگی‌ها با رعایت مقررات مربوط.

ه: تعیین وظایف و حدود اختیارات و مسئولیت‌های واحدهای مختلف شرکت.

و: اعمال نظارت‌های مالی و محاسباتی و حسابرسی نسبت به عملیات و معاملات و مخارج شرکت و بازرسی در کلیه امور شرکت و شعب و نمایندگی‌ها و مؤسسات مربوط.

را به اطلاع رئیس مجمع عمومی خواهند رسانید.

ماده ۳۱- بازرسان در اجرای وظایف خود حق مراجعته به کلیه دفاتر و پرونده‌ها و قراردادهای شرکت را خواهند داشت.

ماده ۳۲- اجرای وظایف بازرسان که بر طبق مقررات این اساسنامه تعیین شده نباید به هیچ وجه مانع جریان عادی کار شرکت گردد. بازرسان می‌توانند نظریات خود را به رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل اطلاع دهند و تقاضا کنند که اطلاعات و مدارک لازم در اختیار آنها گذاشته شود.

ماده ۳۳- بازرسان حق اشتغال موظف دیگری در داخل و یا خارج از شرکت ندارند. اشتغال غیرموظف (افتخاری بدون دریافت حقوق) در هر مورد منوط به موافقت کمی رئیس مجمع عمومی خواهد بود.

فصل چهارم

ترازنامه و حساب سود و زیان

ماده ۳۴- سال مالی شرکت از اول فروردین ماه هر سال شروع می‌شود و در آخر اسفندماه همان سال خاتمه می‌باشد.^۱ کلیه دفاتر شرکت به تاریخ روز آخر سال مالی بسته می‌شود. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش هیأت مدیره باید تا چهل روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی در اختیار بازرسان گذاشته شود.

ماده ۳۵- تعداد انواع دفاتر محاسباتی که باید پلمپ شود طبق مقررات قانون تجارت از طرف هیأت مدیره تعیین می‌گردد.

تبصره- منظور از دفاتر محاسباتی عبارت است از دفاتر مذکور در قانون تجارت یا فرمها و وسائل دیگر نگاهداری حساب.

ماده ۳۶- در ترازنامه اقلام دارایی شرکت به بهای خرید یا تمام شده پس از استهلاک منظور می‌شود مطالبات مشکوک بارزش احتمالی روز تنظیم ترازنامه احتساب می‌گردد. مطالبات غیر قابل وصول نباید جزو دارایی شرکت منظور شود.

تبصره- هر گاه هیأت مدیره تجدید ارزیابی تمام یا قسمتی از دارایی‌های شرکت را لازم تشخیص دهد می‌تواند با تصویب مجمع عمومی اقدام به تجدید ارزیابی بنماید و در صورتی که افزایش یا کاهش حاصل شود به حساب ذخیره‌های عمومی مذکور در ماده ۳۸ منظور خواهد شد.

ماده ۳۷- ضوابط تعیین میزان استهلاک نسبت به انواع دارایی‌های شرکت طبق اصول متدالوی صنعت نفت و گاز به پیشههاد هیأت مدیره تعیین و پس از تصویب وزارت امور اقتصادی و دارایی به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده ۳۸- شرکت مکلف است در هر سال یک درصد از سود ویژه خود را به

۱. طبق ماده واحد مصوب خردامه ۱۳۵۷ سال مالی شرکت که قبل از اول سال میلادی (یازدهم دی ماه هر سال) بوده بشرح متن بالا اصلاح شده است.

قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران

(مصوب ۱۷/۳/۵۶)

فصل اول

گلایات و سرهایه

ماده ۱- شرکت ملی نفت ایران که بموجب قانون مورخ نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ تأسیس گردیده و در این اساسنامه از این پس شرکت نامیده میشود، شرکت سهامی است که عملیات خود را با توجه به وظایف و حقوق و اختیارات مقرر در قانون نفت مصوب هشتم مردادماه ۱۳۵۳ و سایر قوانین خاص مربوط به نفت و گاز و پتروشیمی بموجب این اساسنامه و طبق اصول بازرگانی اجرا مینماید.

ماده ۲- مرکز اصلی شرکت تهران است و شرکت میتواند شعب یا نمایندگیهایی برای اجرای عملیات مقرر در این اساسنامه در داخل و خارج کشور تأسیس نماید.

ماده ۳- سرمایه شرکت یکصد میلیارد ریال^۱ است که منقسم به ده هزار سهم ده میلیون ریالی با نام بوده و پنجاه درصد آن پرداخت گردیده است.

صاحب سهام متعدد است که قسمت پرداخت نشده سرمایه را به تقاضای

هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی پرداخت کند.

افزایش سرمایه منوط به پیشنهاد هیأت مدیره و تأیید مجمع عمومی و

تصویب نهایی هیأت وزیران خواهد بود.

کلیه سهام شرکت متعلق به دولت ایران و غیر قابل انتقال است.

نوع اطلاعاتی راجع به عملیات شرکت بدون اجازه کتبی شرکت ممنوع است.

تخلف از مقررات آین ماده تقصیر اداری و انصباطی محسوب میشود.

ماده ۴۷- شرکت در تهیه مسکن و تأمین رفاه و بهداشت و فرهنگ و آموزش و تفریحات سالم کارکنان خود و کمکهای اجتماعی به آنان و حفاظت آنها در مقابل حوادث اهتمام به عمل خواهد آورد.

ماده ۴۸- نسبت به اموری که در این اساسنامه و قوانین مربوط مقرراتی منظور نگردیده باشد مقررات قانون تجارت معتبر خواهد بود.

ماده ۴۹- این اساسنامه به استناد ماده ۶۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به تصویب رسیده است. قوانین و مقرراتی که مغایر با مقررات این اساسنامه باشد در حدودی که مغایرت دارد نسبت به شرکت مجری نخواهد بود. اساسنامه فوق مشتمل بر چهل و نه ماده و سیزده تبصره به استناد ماده ۶۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران پس از تصویب کمیسیونهای امور استخدام و سازمانهای اداری و امور اقتصادی و دارایی مجلس شورای ملی در جلسات روزهای سهشنبه و پنجشنبه ۱۰ و ۱۲ آبان ماه ۱۳۵۶ در جلسه روز چهارشنبه بیست و پنجم آبان ماه هزار و سیصد و پنجاه و شش به تصویب کمیسیونهای استخدام و امور اقتصادی و دارایی مجلس سنا رسید.

۱. بموجب تصویبنامه شماره ۵۴۳۰۶/۱۱/۱۱/۲۹۹۲۱-۲۹۹۲۱ هیأت وزیران سرمایه شرکت به مبلغ ۱۴۶/۳۶۸/۳۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال منقسم به ۱۴/۶۳۶/۸۳۵ ۵۰ میلیون ریالی افزایش یافت.

فصل دوم

موضوع - وظایف - حقوق و اختیارات شرکت

در صورتی که اشخاص و مؤسسات که به موجب قسمت اخیر بند فوق اقدام به تهیه فرآوردهای فرعی و مشتقات نفتی می‌کنند ضمن عملیات خود مقداری از فرآوردهای اصلی مذکور در بند الف فوق را که در انحصار شرکت است تولید کنند پخش و فروش و صدور مواد مذکور در هر مورد موكول به اجازه شرکت و طبق مقرراتی خواهد بود که شرکت ابلاغ کند.

ج: مراقبت و اهتمام و اقدام مقتضی برای توسعه و پیشرفت صنعت نفت و صنایع وابسته به آن از لحاظ علمی و فنی و بازرگانی و اقتصادی وغیره.
د: حفظ مخازن زیرزمینی نفت و گاز و هیدروکاربوروهای دیگر و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از تلف شدن مواد مذکور و بهره‌برداری صحیح از ذخایر نفتی در سراسر کشور و فلات قاره.

ه: هر گونه فعالیت در رشته‌های صنعت پتروشیمی و صنعت گاز و صنایع وابسته به آنها.

و: مبادرت به اقدامات عمرانی و کشاورزی و دامداری در مواردی که در حوزه‌های عملیاتی شرکت لازم باشد.

ز: مبادرت به هر گونه فعالیت صنعتی و یا بازرگانی دیگر با تصویب مجمع عمومی.

ماده ۵- به منظور تأمین مقاصد و انجام عملیات مذکور در ماده ۴ شرکت دارای حقوق و اختیارات زیر می‌باشد:

الف: ایجاد شرکهای فرعی و شرکهای وابسته و شعب و نمایندگی‌ها در ایران و خارج از ایران یا انحلال آنها.

منظور از شرکت فرعی مذکور در این اساسنامه شرکتی است که:
۱- کلیه سهام آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران باشد.

۲- کلیه سهام آن متعلق به یک یا چند شرکتی باشد که کلیه سهام آن شرکت یا شرکتها متعلق به شرکت ملی نفت ایران باشد.

منظور از شرکت وابسته مذکور در این اساسنامه هر شرکتی است که قسمتی از سهام آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران یا شرکهای فرعی آن باشد.

ب: انعقاد قراردادهای همکاری و مشارکت با اشخاص و مؤسسات در داخل و خارج ایران و همچنین خریداری و تملکاً سهام شرکت‌های دیگر با حق فروش و انتقال آنها.

ماده ۶- موضوع شرکت عبارت است از اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی و گازی سرتاسر کشور و فلات قاره و اشتغال به عملیات صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع وابسته در داخل و خارج از کشور به شرح زیر:

الف: تفحص و نقشه‌برداری و اکشاف و استخراج و حمل و نقل و تصفیه نفت خام و گاز طبیعی و هیدروکاربوروهای طبیعی دیگر اعم از مایع و جامد (به استثنای ذغالسنگ) و ساختن و عمل آوردن هر نوع فرآوردهای اصلی نفتی از قبیل گاز و گاز مایع و انواع مشتقات گاز و اقسام بنزین و اقسام نفت سفید و نفت گاز و نفتهای سوخت و قیر و اسفالت و هر نوع مواد نفتی که تولید نیرو نماید. همچنین هر گونه عملیات به منظور قابل عرضه کردن مواد مزبور و حمل و نقل و پخش و صدور و فروش آنها در داخل و خارج از کشور.

اشتغال به امور فوق الذکر در سراسر کشور و فلات قاره منحصرأ به عهده شرکت می‌باشد مگر در مواردی که به موجب قوانین جداگانه مشارکت مؤسسات دیگر در بعضی از این امور تجویز شده و یا بشود و در این صورت شرکت نظارت کامل در حسن جریان امور مزبور به عمل خواهد آورد.

ب: ساختن فرآوردهای فرعی و مشتقات نفت از قبیل روغن متور و گریس و پارافین و واژلین و حمل و نقل و پخش و صدور و فروش آنها در داخل و خارج کشور. اشتغال اشخاص و مؤسسات خصوصی به این امور در هر مورد منوط به موافقت شرکت و تحصیل پروانه مخصوص از وزارت صنایع و معادن خواهد بود و شرکت به منظور تطبیق این گونه فرآوردها با استانداردهای ملی یا بین‌المللی نظارت لازم را اعمال خواهد کرد و تعیین قیمت این فرآوردها برای عرضه در بازار داخلی توسط وزارت صنایع و معادن و وزارت بازرگانی با مشورت شرکت صورت خواهد گرفت.

فرعی مذکور گزارش این گونه اصلاحات و تغیرات را طرف مدت سه ماه از تاریخ تأیید از طریق دولت به مجلسین خواهد داد.

شرکت می تواند با تصویب مجمع عمومی بر حسب مصلحت و اقتضا در مورد بعضی از شرکتهای فرعی و وابسته که در ساختن فرآوردهای فرعی موضوع بند ب ماده ۴ و یا محصولات پتروشیمی فعالیت می کنند تا ۹۹ درصد سهام متعلق به خود را طبق قانون گسترش مالکیت واحدی تولیدی به کارکنان ایرانی شرکتهای مزبور و یا ایرانیان دیگر به فروش برساند.

ج: خرید و فروش و اجاره و استجاره هر گونه مال اعم از منقول و غیرمنقول و همچنین تحصیل هر گونه مال و یا حقی که طبق قوانین کشوری به شرکت متقل می گردد.

واگذاری بلاعوض اموال شرکت به ادارات و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شهرداری ها همچنین مؤسسات فرهنگی و اجتماعی و خیریه و مذهبی که طبق قوانین ایران تشکیل شده اند منوط به تصویب هیأت مدیره خواهد بود.

د: گرفتن و دادن اعتبار و یا وام در داخل و یا خارج کشور به منظور اجرای برنامه های شرکت.

دادن وام و اعتبار در داخل کشور و یا گرفتن وام و اعتبار از خارج کشور با موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب مجمع عمومی نمایندگان صاحب سهام خواهد بود. اعتاء وام و اعتبار در داخل کشور در حدود بودجه مصوب شرکت خواهد بود.

ه: انجام مطالعات و تحقیقات و بررسی های فنی و علمی و بازرگانی و اقتصادی.

و: خرید و اجاره و تأسیس و تکمیل و توسعه و تعمیر و اداره کارخانه ها و دستگاه ها و تأسیسات و تهیه و ایجاد و اداره وسایل و تسهیلات حمل و نقل و ارتباط زمینی و دریایی و هوایی.

ایجاد و به کار انداختن راه آهن یا بندر و انواع سرویس های مخابراتی با سیم و بی سیم و هوایی در مواردی که عملیات شرکت ایجاد نماید مشروط به اجازه قبلی دولت خواهد بود.

ز: اقدام به هر گونه عملیات برای استفاده از زمین هایی که در اختیار شرکت

انعقاد قرارداد به منظور اجرای عملیات اکشاف و توسعه منابع نفت خام و گاز طبیعی همچنین مشارکت برای ایجاد پالایشگاه در داخل کشور مشمول مقررات قانون نفت خواهد بود.

قراردادهایی که به منظور تولید و پخش و حمل و نقل و تصفیه و صدور و فروش فرآوردهای گازی و پتروشیمی بین یکی از شرکتهای فرعی شرکت با اشخاص و مؤسسات ایرانی یا خارجی منعقد می شود. پس از تصویب مجمع عمومی شرکت فرعی مربوط و با رعایت مقررات قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی قابل اجراء خواهد بود.

شرکت با تصویب مجمع عمومی می تواند هر یک از شرکت های وابسته را که برای فعالیت در رشته های صنایع نفت، پتروشیمی و گاز ایجاد می شود (به شرط آنکه مالکیت بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت باشد) از مزایایی که به موجب این اساسنامه جهت شرکت مقرر شده است برخوردار نماید.

شرکت های فرعی شرکت که تحت قوانین ایران تشکیل گردد از کلیه معافیت ها و مزایای مقرر در این اساسنامه بهره مند خواهد بود.

مؤسسات و اشخاص خارجی (اعم از حقیقی یا حقوقی) که در اجرای عملیات موضوع این ماده با شرکت یا شرکت های فرعی آن قرارداد منعقد می نمایند به شرط معامله متقابل از شمول تبصره ۲ ماده ۳ قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی مصوب کمیسیون های مجلسین مستثنی خواهند بود. در مورد هر قرارداد نفتی که دولت نیز علاوه بر شرکت به عنوان طرف اول آنرا امضا کرده است شرکت به عنوان نماینده دولت عمل خواهد کرد.

مجموع عمومی شرکت های فرعی گاز و پتروشیمی می تواند بر حسب اقتضا اصلاحات و تغیرات لازم را در قراردادهای مشارکتی که مقدم بر تاریخ تصویب این اساسنامه به موجب قانون توسعه صنایع پتروشیمی مصوب تیرماه ۱۳۴۴ و قانون توسعه صنعت گاز مصوب اردیبهشت ۱۳۵۱ منعقد گردیده و به تصویب مقامات مقرر در آن قوانین رسیده است به عمل آورند. اصلاحات و تغیرات مزبور با توجه به ماده ۲۹ قانون نفت مصوب ۸ مرداد ۱۳۵۳ بعد از تأیید هیأت وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد. شرکتهای

عملیات خود در ایران ضروری بداند از قبیل ماشین‌آلات کارخانه‌ها و اجزای آن. افزار و ادوات و قطعات یدکی- مواد شیمیایی و مواد معدنی- مصالح ساختمانی و اثاثه- وسایل حمل و نقل- وسایل اینمنی و آموزشی- وسایل مخابراتی- خطوط لوله و تلمبه- تجهیزات بارگیری و اسکله- تأسیسات بندری- وسایل آزمایشگاه- دارو و کلیه لوازم طبی بیمارستانها و درمانگاه‌ها از خارج کشور وارد نماید.

شرکت‌های وابسته در مورد تحصیل پروانه ورود کالا از مقررات عمومی مملکتی استفاده خواهند نمود.

در مواردی که دولت اخذ پروانه‌های مخصوص را مانند پروانه ورود مواد محترق و داروهای مخدر ضروری بداند شرکت تشریفات اخذ پروانه را انجام خواهد داد.

شرکت و شرکت‌های فرعی و شرکت‌های وابسته آن از مزايا و معافیت‌های مقرر در بند ج از ماده ۳ قانون تشویق صادرات و تولید مصوب ۴ اسفندماه ۱۳۳۳ و سایر قوانین مملکتی استفاده خواهند نمود. استفاده از معافیت مقرر در ماده ۷ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۴۸ در مورد طرح‌های بخصوص منوط به پیشنهاد شرکت و تصویب وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

شرکت‌های وابسته که پیش از تاریخ تصویب این اساسنامه طبق قراردادهای مصوب مجلسین و یا قراردادهایی که به استناد قانون توسعه صنایع پتروشیمی مصوب تیرماه ۱۳۴۴ و قانون توسعه صنعت گاز مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ منعقد گردیده است به کار پرداخته‌اند کماکان از مزايا و معافیت‌های مقرر در قراردادهای مربوط به خود برخوردار خواهند بود.

ادارات گمرک ایران در ترجیح کالاهای وارداتی شرکت و شرکت‌های فرعی و وابسته آن حق اولویت قائل خواهند بود و کلیه تسهیلات لازم را در این باره فراهم خواهند آورد.

کالاهای مزبور بدون احتیاج به ارائه مدرک مربوط به معافیت ترجیح خواهد شد و مدارک لازم را در هر مورد حین یا پس از ترجیح به گمرک ارسال خواهد گردید.

شرکت و شرکت‌های فرعی و وابسته آن می‌توانند کالاهایی را که با استفاده از

است به منظور انجام مقاصد مذکور در این اساسنامه.

۲: انعقاد قراردادهای استخدام یا خدمات یا مشاوره با مؤسسات و اشخاص اعم از داخلی و یا خارجی.

۳: تملک و ثبت پروانه‌های اختراع و تحصیل حق استفاده و هر گونه اطلاعات درباره اختراعات و طرح‌ها و طریقه‌های مربوط به صنعت نفت و صنایع وابسته به آن.

۴: انعقاد قرارداد با خریداران به منظور صدور نفت خام و گاز و فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن.

۵: شرکت می‌تواند در مواردی که مقتضی بداند برخی از عملیات خود را به وسیله نمایندگی‌ها و یا پیمانکاران به موقع اجرا بگذارد.

۶: در هر مورد که اجرای عملیات شرکت و یا عملیات هر یک از شرکت‌های فرعی و وابسته آن مستلزم اعلام موافقت و یا انجام اقدامی از ناحیه دولت باشد شرکت پیشنهاد لازم را جهت صدور دستور مقتضی به نخست‌وزیر تقدیم خواهد نمود. لوایح مربوط به شرکت توسط نخست‌وزیر با وزیر امور اقتصادی و دارایی به مجلسین تقدیم خواهد شد.

۷: شرکت مجاز است که در مورد امور استخدامی و بازنیستگی و پس‌انداز و سایر امور گارگزینی کارمندان و آموزش و پرورش کارکنان خود آین نامه‌های لازم را تدوین و پس از تصویب مجمع عمومی به موقع اجرا بگذارد. آین نامه‌های مزبور برای شرکت‌های فرعی و وابسته نیز لازم‌الرعایه خواهد بود.

۸: شرکت مجاز است در مواردی که به تشخیص هیأت مدیره ایرانیانی که واجد شرایط و تجربیات لازم باشند یافت نشود و یا استفاده‌های خدمات آنان عملاً میسر نباشد نسبت به استخدام کارکنان خارجی با توجه به قوانین و مقررات مربوط به خود اقدام نماید.

شرکت هر گونه برنامه آموزشی و کارآموزی که به منظور تشکیل کادر مجہز لازم برای صنعت نفت و بی‌نیاز شدن صنعت مزبور از استخدام کارکنان خارجی مقتضی بداند تنظیم و به موقع اجرا خواهد گذارد.

۹: شرکت و شرکت‌های فرعی آن از تسهیلات زیر استفاده خواهند نمود:
الف: بدون تحصیل پروانه ولی با انجام تشریفات گمرکی آنچه را منحصرأ برای

نفت و یا به خود شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن داده می‌شود نیز از مالیات مغایر است.

ماده ۱۱- شرکت می‌تواند هزینه و تعهدات ارزی خود را در داخل و خارج کشور در حدود بودجه مصوب از درآمدهای ارزی خود پردازد.

شرکت دراول هر سال موافقت مقامات قانونی نظارت بر ارز را برای استفاده از اعتبارات ارزی سالانه خود یکجا تحصیل و صورت هزینه‌های ارزی را هر سه ماه یک مرتبه به مقامات مذکور و خزانه تسليم خواهد نمود.

ماده ۱۲- هر گاه زمین‌های برای انجام عملیات مقرر در این اسناد مورد احتیاج شرکت واقع شود به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

الف: در مورد اراضی موات، حیازت و تملک آن از طرف شرکت مجاز و تابع احکام کلی است.

ب: در صورتیکه زمین مورد احتیاج باشد و متعلق به دولت باشد بر حسب پیشنهاد شرکت و تصویب هیأت وزیران مجاناً به شرکت واگذار می‌شود. در صورتی که احتیاج شرکت به زمینی که بدین طرز تحصیل کرده باشد رفع شود شرکت بدون اجازه دولت حق انتقال آنرا به غیر خواهد داشت و باید آنرا بلاعوض مسترد دارد. تشریفات ثبتی این قبیل اراضی در صورتی که قبل انجام نشده باشد از طرف دولت انجام خواهد گرفت.

ج: زمین‌های دایر متعلق به دولت در مقابل پرداخت بهای عادله آن به شرکت انتقال داده خواهد شد.

هر گاه احتیاج شرکت از زمینی که از دولت خریداری کرده رفع شود باید مراتب را کبایه دولت اعلام و زمین مزبور را برای فروش به دولت پیشنهاد کند. در صورتی که دولت مایل به خرید زمین مزبور باشد شرکت آنرا در مقابل بهای عادله به دولت واگذار خواهد کرد.

هر گاه ظرف شش ماه از تاریخ پیشنهاد فروش دولت زمین را خریداری نکند شرکت در فروش آن به غیر آزاد خواهد بود.

استفاده از اراضی موضوع این بند پس از رفع نیاز شرکت در اجرای برنامه‌های تأمین مسکن برای کارکنان ایرانی صنعت نفت بلامانع است.

در مورد اراضی مشمول این بند که پیشنهاد فروش آن به دولت داده می‌شود دولت در صورتی که خود مایل به خرید نباشد ممکن است استفاده از حق

معافیت گمرکی وارد نموده‌اند به یکدیگر انتقال دهند و این گونه انتقالات در حکم واردات مستقیم شرکت انتقال گیرنده تلقی می‌شود.

کالاهایی که شرکت یا شرکتهای فرعی و وابسته به آن وارد نموده و بعداً به آن احتیاج نداشته باشند. نسبت به فروش آن در داخل یا صدور آن به خارج آزاد خواهد بود و هر گاه کالاهای مذکور با معافیت از حقوق گمرکی وارد شده باشد فروش آن در داخل مشروط به پرداخت حقوق گمرکی است.

شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن مکلفند در مورد کالاهایی که در داخل کشور تهیه می‌شود و از حیث قیمت و مقدار و نوع و مرغوبیت و مشخصات احتیاجات آنها را مرتفع می‌کند از محصولات و مصنوعات کشور استفاده کنند.

ب: صادرات مواد نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی و شهرباری‌ها معاف خواهد بود ولی شرکت اظهارنامه‌هایی را که برای آمار گمرکی لازم است تهیه و به گمرک محل تسليم خواهد کرد.

ماده ۱۰- مالیات بر درآمد شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن بر اساس نرخ و مقررات قانونی مربوط به مالیات بر درآمد شرکتهای نفتی از سود ویژه وصول خواهد شد و هیچ گونه مطالبه دیگری از شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن تحت عنوان مالیات و یا عوارض و حقوق و غیره زائد بر آنچه طبق مقررات قانونی از شرکتهای نفتی قابل وصول باشد جایز خواهد بود.

منافع شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن از فعالیتهای غیرنفتی مشمول مقررات عمومی مالیاتی کشور خواهد بود.

تبصره ۱- حقوق و عوارضی که طبق قوانین از طرف مقامات دولتی یا محلی در ازای خدمات مورد درخواست شرکت یا شرکتهای فرعی و وابسته آن و یا خدماتی که عموماً برای عامه انجام می‌شود مطالبه می‌گردد از شرکت و شرکتهای فرعی و وابسته آن نیز قابل وصول است.

تبصره ۲- وجود صندوق بازنیستگی و پس انداز کارکنان ایرانی صنعت نفت و مستمری بازنیستگی کارمندان صنعت نفت از هر گونه مالیات معاف است.

بهره متعلق به وجود صندوق بازنیستگی و پس انداز نزد بانکهای ایرانی و همچنین بهره متعلق به وامهایی که از محل وجود مزبور به کارمندان صنعت

کارشناس سوم را هیأت سه نفری تعیین خواهد کرد.

در صورت انقضاء مدت ده روز و عدم معرفی کارشناس و یا عدم ارسال برگ قبولی کارشناس از طرف مالک و یا مالکین، کارشناس مذبور نیز توسط هیأت سه نفری تعیین خواهد شد.

۵- در صورتی که اقامتگاه یا محل کار مالک یا مالکین مشخص نباشد، ابلاغ اخطاریه به اقامتگاه مالک یا مالکینی که طبق گواهی اداره ثبت تعیین شده باشد معتبر خواهد بود.

۶- در صورتی که ملک مشاع یا مالکین آن متعدد باشند کارشناس توسط اکثریت مالکین تعیین خواهد شد و در صورتی که اکثریت حاصل نشود کارشناس توسط هیأت سه نفری انتخاب خواهد شد.

۷- دستمزد و هزینه ایاب و ذهاب و فوق العاده روزانه کارشناسان به میزانی که از طرف هیأت سه نفری تعیین گردد به وسیله شرکت و از طریق دفتر هیأت سه نفری پرداخت خواهد شد.

۸- کارشناسان مکلفند حداقل ظرف پانزده روز از تاریخ انتخاب قیمت عادله اراضی و اعیانهای مورد نیاز عملیات شرکت را بر حسب مورد ممکن است شامل حق پیشه و کسب و کار یا هر نوع حق قانونی دیگر هم باشد به اتفاق یا با اکثریت آراء بر اساس بهای اراضی مشابه یا مجاور و بدون در نظر گرفتن منابع نفتی و نوع استفاده‌ای که منظور شرکت می‌باشد و به بهای قبل از تاریخ تصویب هیأت مدیره شرکت تعیین و به دفتر هیأت سه نفری اعلام کنند.

۹- دفتر هیأت سه نفری بهای عادله تعیین شده از طرف کارشناسان را به شرکت ابلاغ خواهد کرد. در صورتی که مالک یا مالکین با بهای تعیین شده موافقت کنند انتقال زمین به بهای مذبور به عمل خواهد آمد و در غیر این صورت شرکت قیمت تعیین شده را به صندوق دادگستری تودیع و قبض دریافتی را به دفتر هیأت سه نفری ارسال خواهد داشت.

هیأت سه نفری ظرف پنج روز از تاریخ تسلیم قبض مذکور تصمیم لازم دادر به الزام مالک و یا مالکین به تنظیم سند انتقال را صادر و به طرفین ابلاغ خواهد کرد و در صورتی که مالک یا مالکین ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیأت از اعضاء سند خودداری کنند به دستور دادستان کل

خود را به شهرداری یا مؤسسه عمومی دیگر واگذار کند و در این صورت زمین در مقابل بهای عادله به شهرداری یا مؤسسه عمومی که دولت تعیین کند انتقال داده خواهد شد.

د: در مواردی که شرکت برای انجام عملیات خود احتیاج به اراضی اعم از دائر و بایر متعلق به اشخاص و همچنین اینیه و تأسیسات و اعیانهای موجود در زمینهای مذبور داشته باشد به طریق زیر عمل خواهد شد:

۱- تشخیص اینکه اراضی و مستحداثات موجود در آن مورد نیاز شرکت می‌باشد با هیأت مدیره شرکت است.

۲- شرکت وضع ثبتی اراضی (اعم از عرضه و اعیان) مورد نیاز عملیات خود را از ثبت محل استعلام خواهد کرد و اداره ثبت مکلف است حداقل ظرف پانزده روز وضع ثبتی و شماره پلاک ملک را تعیین و اعلام دارد و در صورتی که تشریفات ثبتی ملک خاتمه یافته باشد نام مالک و یا مالکین و مقدار سهم هر کدام و اقامتگاه آنرا تعیین و گواهینامه لازم را صادر و به شرکت تسلیم نماید.

۳- در صورتی که ملک مورد اختلاف بوده و یا به ثبت نرسیده و یا تشریفات ثبتی آن خاتمه نیافته و یا مالک و یا مالکین حاضر به فروش نشوند و یا هر گاه بین شرکت با مالک یا مالکین برای خرید اراضی و اعیانی ها از لحظه قیمت یا مال‌الاجاره و حق پیشه و کسب توافق حاصل نشود شرکت ضمن ارسال دادخواستی متنضم رونوشت مصوب هیأت مدیره مبنی بر لزوم تحصیل آن و رونوشت گواهی ثبتی و سه نسخه نفشه زمین مورد نیاز و با معرفی کارشناس خود از هیأت سه نفری مرکب از دادستان کل کشور- وزیر کشور و رئیس سازمان ثبت اسناد و اصلاح کشور و یا نمایندگان آنها درخواست خواهد کرد که برای تعیین قیمت عادله ملک اقدام کند.

۴- هیأت سه نفری حداقل ظرف ده روز از تاریخ وصول دادخواست شرکت

برای انتخاب دو نفر کارشناس دیگر بدین شرح اقدام خواهد کرد:
دفتر هیأت سه نفری به مالک یا مالکین اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه کارشناس خود را معرفی و برگ قبولی او را ظرف همین مدت به دفتر هیأت تسلیم کند.

۱۳- در مورد املاک مندرج در قسمت اول شق (۱۱) ادارات ثبت مکلفند پس از ابلاغ رأی هیأت سه نفری نسبت به تفکیک اراضی موضوع رأی بر اساس نقشه شرکت اقدام و صورت مجلس تفکیکی را جهت تنظیم سند انتقال به دفتر استاد رسمی حوزه ثبت مربوط ارسال دارند.

ماده ۱۴- هر گاه به درخواست ذینفع و تأیید هیأت سه نفری اراضی و اعیانی های مورد ارزیابی محل سکونت مالک باشد ده درصد و در صورتی که ممر اعашه منحصر مالک باشد پانزده درصد و در صورتی که محل سکونت و ممر اعашه منحصر او باشد بیست و پنج درصد اضافه بر بهای عادله پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱- درباره املاک مزروعی مشمول قوانین و مقررات اصلاحات اراضی مورد احتیاج شرکت وزارت تعاون و امور روستاها ظرف یک ماه از تاریخ درخواست شرکت اجازه تجزیه و فروش آن املاک را خواهد داد. ضمناً در مواردی که مساحت اراضی مزروعی مورد احتیاج به قدری باشد که زارعین مجبور به کوچ کردن شوند شرکت علاوه بر قیمت ملک که پرداخت می کند بیست و پنج درصد قیمت را هم به وسیله وزارت تعاون و امور روستاها بین زارعین و پانزده درصد بین خوشنشیان و بزرگرانی که محل سکونت خود را ترک می کنند به نسبت تعداد عائله تحت تکفل آنان با حضور فرماندار یا بخشدار محل تقسیم خواهد کرد.

تبصره ۲- در مورد املاک موقوفه و یا املاکی که شرکت بخواهد به طریق اجاره از آن استفاده و یا حق ارتفاق تحقیل کند اگر برای تعیین میزان اجاره و حق ارتفاق بین شرکت و طرف مقابل توافق نشود هیأت سه نفری به ترتیب مندرج در بند (د) ماده ۱۲ اقدام و میزان اجاره و یا حق ارتفاقی را تعیین و رأی به تنظیم سند اجاره و یا تفویض حق ارتفاق صادر خواهد کرد که در صورت امتناع مالک و یا مالکین و همچنین متولی یا متولیان یا نماینده او قاف به دستور دادستان کل سند اجاره و اعطاء حق استفاده از طرف دادستان شهرستان محل وقوع ملک اعضاء و زمین و اعیانی های مورد لزوم به موجب صورت جلسه به شرکت تحويل خواهد شد.

تبصره ۳- در مورد املاک موقوفه مزروعی زراعین مستأجر این املاک مکلفند اراضی مورد احتیاج شرکت را در مقابل مال الاجاره ای که به شرح مذکور در این

کشور، از طرف دادستان شهرستان محل وقوع ملک ظرف مدت پانزده روز سند انتقال ملک اعضاء و عرصه واعیان مورد تصمیم به موجب صورت جلسه ای از طرف دادستان شهرستان به نماینده شرکت تحويل خواهد شد.

در این مورد هر وقت مالک یا مالکین حاضر به دریافت قیمت ملک خود گردیدند دفتر هیأت سه نفری پس از اعلام به شرکت حواله پرداخت قیمت را به صندوق دادگستری صادر خواهد کرد. همچنین است در مورد املاک مندرج در شق (۱۱) زیر که پس از مشخص شدن مالک و انتقال ملک به شرکت حواله پرداخت وجه به نام او صادر می گردد.

۱۰- در موارد فوری شرکت می تواند بلا فاصله پس از انجام تشریفات ارزیابی و تودیع بهای ملک در صندوق دادگستری عرصه و اعیان مورد نیاز خود را به موجب صورت مجلس با حضور نماینده دادستان شهرستان محل وقوع ملک تصرف کند. ابلاغ تصمیم هیأت سه نفری به مالک یا مالکین و انجام تشریفات تنظیم سند انتقال به شرح مقرر در این بند پس از تصرف ملک مورد نیاز به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

۱۱- در مورد املاکی که مالکیت آن مورد اختلاف بوده و یا به ثبت نرسیده و یا تشریفات ثبتی آن ملک انجام نگرفته و یا دسترسی به مالک و یا مالکین نباشد تعیین کارشناس مالک و یا مالکین آن به عهده هیأت سه نفری خواهد بود و پس از تعیین قیمت ملک و تودیع در صندوق دادگستری و صدور تصمیم لازم از طرف هیأت سه نفری بنا به دستور دادستان کل سند انتقال را دادستان محل وقوع ملک ظرف مدت پانزده روز امضا کرده به موجب صورت جلسه به شرکت تحويل خواهد داد.

در صورتی که دولت مالک اراضی مورد اختلاف شناخته شود و سند مالکیت به نام دولت صادر گردد وجوه تودیعی بابت قیمت اراضی بایر به شرکت مسترد خواهد شد.

۱۲- اقامه دعوی شخص ثالث و یا دعوی متقابل موجب تأخیر در انجام مقررات این ماده نخواهد بود و هیأت سه نفری باید در هر مورد تشریفات کارشناسی و تودیع بها و صدور حکم را ظرف مواعده که به شرح فوق تصریح گردیده است انجام دهد.

شق تعیین خواهد شد به اجاره شرکت واگذار نمایند. در صورتی که زارعین مستأجر این املاک ناگزیر به ترک اراضی زراعی گردند به شرح مقرر در تبصره یک این ماده درباره آنان رفتار خواهد شد و چنانچه خساراتی به زراعت یا مستحدثات آنان وارد شود میزان حقوق و خسارات توسط وزارت تعاون و امور روستاها تعیین و به وسیله شرکت پرداخت خواهد شد.

تبصره ۴- در مواردی که به تشخیص و تصویب هیأت مدیره شرکت ضرورت عملیات ایجاد کند که زمینی برای عملیات به قید فوریت در اختیار شرکت قرار گیرد شرکت وسیله یک نفر کارشناس رسمی دادگستری بهای عادله زمین موردنیاز را تعیین و به صندوق دادگستری تودیع خواهد کرد و مراتب را به اطلاع دادستان شهرستان محل وقوع زمین خواهد رسانید. دادستان شهرستان محل وقوع زمین ظرف ده روز زمین مزبور را به تصرف شرکت خواهد داد.

کلیه تشریفات دیگر مقرر در این ماده و مواد ۱۲ و ۱۴ از قبیل تقديم دادخواست به هیأت سه نفری و ارجاع امر به کارشناس و تعیین قیمت قطعی و غیره در مورد این اراضی بلافضله پس از تصرف به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

تبصره ۵- در مورد اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که برای عبور لوله‌های نفت و گاز و انواع دیگر مواد نفتی یا ایجاد شبکه مخابراتی و حريم آنها مورد احتیاج شرکت باشد با توجه به مفاد تبصره ۸ این ماده عرصه و اعیان از طرف شرکت تصرف شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت و فقط قیمت اعیانی از بین رفته و خسارت واردہ با تافق صاحبان آن و در صورت عدم توافق به شرح بند (د) ماده ۱۲ تعیین و پرداخت می‌گردد.

تبصره ۶- شرکت در معدوم کردن اعیانی‌های موجود در مسیر و حريم خطوط لوله پس از تودیع قیمت عادله به شرح مندرجه در این ماه مختار است.

تبصره ۷- اراضی خارج از محدوده خدماتی شهرداری هر شهر جزو زمینهای خارج از محدوده آن شهر محسوب می‌شود.

تبصره ۸- عرض مسیر و حريم خطوط لوله شرکت از چهل متر تجاوز خواهد کرد مگر در موارد استثنایی که طبق تصویب هیأت وزیران مقتضیات عملیاتی و ملاحظات اینمی تجاوز از این حد را ایجاد کند.

مفاد ماده واحد مصوب تیرماه ۱۳۵۰ دایر بر منع ساختمان و ایجاد بنا در

طرفین خطوط انتقال گاز به قوت خود باقی خواهد بود.

ماده ۱۴- هر گونه تصرف از طرف اشخاص در اراضی که به موجب مقررات این اساسنامه برای خطوط لوله یا سایر تأسیسات نفتی تحصیل شده است اعم از احداث بنا یا غرس اشجار و یا زراعت وغیره منوع می‌باشد و شرکت مجاز است این قبیل اعیانی‌ها و مستحدثات را با حضور نماینده ژاندارمری یا شهربانی یا بخشداری که دعوت خواهد نمود نماید و اشخاص حق هیچ

گونه ادعا و مطالبه خسارتخانه از این بابت علیه شرکت نخواهند داشت.

تبصره ۹- در تمام موارد مذکور در این ماده و مواد ۱۲ و ۱۳ برای اثبات عدم انجام تشریفات ثبتی یا اختلاف در مالکیت اراضی گواهینامه اداره ثبت محل و نسبت به عدم دسترسی به مالک شرکت که متکی به نشر آگهی در روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی و یک روزنامه کلیه انتشار باشد کفایت خواهد کرد.

تبصره ۱۰- در مورد تمام یا قسمتی از املاک که مورد نیاز عملیات شرکت بوده و در رهن یا بیع شرط هستند، در صورتی که مالک برای پرداخت سند انتقال امضاء سند انتقال حاضر نشود و دادستان شهرستان مأمور امضاء سند انتقال گردد بستانکار می‌تواند به هیأت سه نفری مراجعه و به نسبت اراضی که مورد این حکم قرار گرفته طلب خود را از محل وجه سپرده مطالبه و دریافت دارد و سندی مبنی بر ابطال یا اصلاح سند رهنی یا شرطی و وصول وجه تودیع شده بدهد و در این مورد که طلب بستانکار در صندوق دادگستری سپرده شده است امضاء سند انتقال از طرف دادستان شهرستان معامله معارض محسوب نمی‌گردد.

هر گاه مبلغ سند رهنی یا شرطی بیش از مبلغ ارزیابی شده باشد شرکت نسبت به مازاد مسئول نخواهد بود.

تبصره ۱۱- پرداخت هزینه دفتری سند انتقال به عهده طرفین است و سایر هزینه‌های آن به عهده مالک می‌باشد و در مواردی که دادستان سند انتقال را امضاء می‌نماید تمام مخارج به وسیله شرکت پرداخت و با ارائه مدارک مربوط به هیأت سه نفری آنچه را که به حساب مالک پرداخت نموده است از محل وجه سپرده مسترد خواهد داشت.

تبصره ۱۲- در اجرای هر یک از موارد مندرج در این ماده و مواد ۱۲ و ۱۳ اعم از

فصل سوم

ارکان شرکت

ماده ۱۶- ارکان شرکت عبارتند از:

- مجمع عمومی نمایندگان صاحب سهام
- هیأت مدیره و مدیر عامل
- هیأت عالی بازارسی

قسمت اول

مجمع عمومی نمایندگان صاحب سهام

ماده ۱۷- نمایندگان صاحب سهام در مجمع عمومی عبارتند از:

- ۱- نخست وزیر
- ۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۳- وزیر نیرو
- ۴- وزیر صنایع و معدن
- ۵- وزیر کار و امور اجتماعی
- ۶- وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
- ۷- یک وزیر دیگر به انتخاب نخست وزیر

تبصره- ریاست جلسه مجمع عمومی با نخست وزیر و در غیاب او با یکی از وزرای حاضر در جلسه با تعین قبلی نخست وزیر خواهد بود.

ماده ۱۸- جلسات مجمع عمومی در مرکز شرکت در تهران با حضور رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل و یا قائم مقامی که از طرف او بدین منظور تعیین و معرفی خواهد شد تشکیل می شود.

تبصره- مجمع عمومی در تیرماه هر سال برای رسیدگی به ترازنامه و در آبانماه همان سال به منظور رسیدگی و تصویب بودجه به طور عادی تشکیل می گردد

ارزیابی و پرداخت بھای املاک و اراضی مورد نیاز شرکت باید حقوق زارعین بر اساس قوانین و مقررات اصلاحات ارضی با نظر وزارت تعاون و امور روستاهای تعیین و از بھای ملک کسر و به زارعین پرداخت گردد.

ماده ۱۵- شرکت می تواند در حوزه علمیات و برای مصارف خود در اراضی بایر متعلق به دولت یا بلامالک از آب همچنین از هر نوع سنگ و خاک و شن و ماسه و سنگ آهک و سنگ گچ و مصالح ساختمانی دیگر بدون پرداخت حقوق دولتی و با رعایت تبصره ۱ ماده ۱۰ این اساسنامه طبق مقررات مربوط استفاده کند. اگر عمل شرکت برای استفاده از مواد مذکور موجب ضرر شخص ثالث گردد شرکت باید جبران خسارت را به تشخیص کارشناس منتخب طرفین بکند ولی در هر صورت شخص ثالث نمی تواند مانع عملیات شرکت بشود.

جاری و نیز بررسی و تصویب هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت. بودجه پیشنهادی باید لااقل دو هفته قبل از تشکیل جلسه از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل برای کلیه اعضاء مجمع عمومی فرستاده شود.

ج: اظهار نظر نسبت به هر گونه پیشنهاد راجع به اصلاح یا تغییر مواد اساسنامه شرکت که برای اخذ تصمیم نهایی و تقدیم به قوه مقننه به دولت تسلیم خواهد شد. پیشنهاد اصلاح یا تغییر اساسنامه باید از طرف رئیس مجمع و یا رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت یا لااقل دو نفر از اعضاء مجمع عمومی به عمل آید.

د: اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش سرمایه و پیشنهاد تصویب آن به دولت.

ه: پیشنهاد یک نفر از افراد واجد صلاحیت به هیأت وزیران جهت انتخاب به سمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت.

و: انتخاب اعضاء علی‌البدل هیأت مدیره به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت.

ز: انتخاب رئیس و اعضاء هیأت عالی بازرگانی.

ح: تعیین خط مشی عمومی شرکت.

ط: اتخاذ تصمیم نسبت به هر موضوعی که با رعایت مفاد این اساسنامه در دستور جلسه مجمع عمومی نمایندگان صاحب سهام قرار گیرد.

ی: اجازه استفاده از ذخیره عمومی شرکت به پیشنهاد هیأت مدیره.

ک: تصویب آینین‌نامه‌های استخدامی و مالی و معاملات شرکت.

ماده ۲۳- هر گاه مجمع عمومی بازرگانی قسمتی از عملیات شرکت را لازم تشخیص دهد منحصرآ به وسیله هیأت عالی بازرگانی اقدام خواهد کرد.

قسمت دوم

هیأت مدیره و مدیرعامل

ماده ۲۴- هیأت مدیره از یک نفر رئیس که سمت مدیریت عامل را نیز خواهد داشت و هفت نفر عضو اصلی تشکیل می‌شود. پنج نفر دیگر نیز به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب می‌شوند تا به دعوت رئیس هیأت مدیره در غیاب اعضای

و تا موقعی که نسبت به موضوع مندرج در دستور جلسه تصمیمی اتخاذ نشده جلسات همچنان ادامه خواهد داشت و در جلسات مذکور اضافی بر ترازنامه و بودجه ممکن است بر حسب پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل یا طبق نظر ریاست مجمع عمومی موضوعات دیگری نیز در دستور مذاکرات قرار گیرد.

ماده ۱۹- مجمع عمومی در هر موقع بنا به تصمیم رئیس مجمع یا به درخواست رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و یا قائم مقامی که از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل تعیین و معرفی شده باشد به طور فوق العاده تشکیل خواهد شد.

ماده ۲۰- دعوت برای تشکیل مجمع عمومی به طور عادی یا فوق العاده از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت به عمل می‌آید. در صورتی که رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل اقدام به دعوت مجمع عمومی نماید رئیس مجمع عمومی رأساً اعضاء مجمع عمومی را دعوت خواهد نمود.

تبصره ۱- دستور جلسه مجمع عمومی در دعوت‌نامه قید خواهد شد.

تبصره ۲- اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره و اعضای هیأت عالی بازرگانی می‌توانند بدون داشتن حق رأی در جلسات مجمع عمومی نمایندگان صاحب سهام شرکت نمایند.

ماده ۲۱- جلسات مجمع عمومی با حضور حداقل پنج نفر رسمیت خواهد یافت و برای اعتبار تصمیمات در هر مورد چهار رأی موافق ضرورت دارد.

تبصره- مجمع عمومی یک نفر را به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل به سمت دبیر مجمع عمومی انتخاب خواهد نمود. صورت جلسات مجمع عمومی پس از تصویب در پرونده مخصوص نگاهداری خواهد شد.

صورت جلسات تصویب شده باید به اعضای رئیس مجمع عمومی برسد.

ماده ۲۲- وظایف مجمع عمومی به قرار زیر است:

الف رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت با توجه به گزارش سالانه هیأت مدیره و گزارش هیأت عالی بازرگانی که باید لااقل دو هفته قبل از تشکیل جلسه در اختیار کلیه اعضاء مجمع عمومی قرار گیرد.

ب: بررسی و تصویب برنامه عملیات و فصول و ارقام کلی بودجه هزینه‌های

اصلی به جای آنان در جلسات شرکت نمایند.

تبصره- رئیس و اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره باید ایرانی باشند.

ماده ۲۵- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل از بین اشخاصی که سابقه خدمات دولتی و اجتماعی داشته و مدتی از آنرا متصرفی کارهای مهم مملکتی بوده و یا از بین کارمندان صنعت نفت ایران که پازده سال سابقه خدمت در صنعت نفت داشته و حداقل پنج سال از آنرا عضو اصلی هیأت مدیره شرکت بوده انتخاب خواهد شد.

ماده ۲۶- اعضای اصلی هیأت مدیره از بین کارمندان رسمی شرکت که ده سال سابقه خدمت در صنعت نفت داشته و لااقل پنج سال عهده‌دار مشاغل مهمی در این صنعت بوده‌اند و یا از بین متخصصین برجسته دیگر که سوابق مشابهی در مدیریت مؤسسات صنعتی مهم و یا امور مالی و اقتصادی و حقوقی داشته باشند انتخاب خواهد شد.

تبصره- لااقل پنج نفر از اعضای اصلی هیأت مدیره باید از میان کارمندان عالی‌رتبه شرکت انتخاب شوند.

ماده ۲۷- اعضاء علی‌البدل هیأت مدیره منحصرآ از بین کارمندان عالی‌رتبه شرکت انتخاب می‌شوند.

ماده ۲۸- اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره موظفاً انجام وظیفه خواهند کرد و باید تمام اوقات در اختیار شرکت باشند و هیچ نوع شغل موظف در خارج از شرکت قبول نکنند.

اشتغال غیر موظف اعضای اصلی و علی‌البدل در اموری که صرفاً جنبه تدریس داشته باشد و عضویت در شوراهای و مجامع فرهنگی و اجتماعی به صورت افتخاری و بدون دریافت حقوق و با موافقت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مجاز خواهد بود.

تبصره ۱- اعضاء هیأت مدیره حق ندارند جز حقوق و مزایای دریافتی از شرکت، حقوق و مزایای دیگری دریافت دارند.

تبصره ۲- هر یک از اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره که از مقررات این ماده تخلف نماید از سمت خود مستغفی شناخته خواهد شد.

تبصره ۳- عضویت اعضاء هیأت مدیره در هیأتهای مدیره و هیأتهای بازرگانی شرکتهای فرعی و وابسته به شرکت موكول به تصویب رئیس هیأت مدیره و

مدیرعامل می‌باشد.

ماده ۲۹- مجمع عمومی برای انتخاب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل یک نفر از افراد واجد صلاحیت را پیشنهاد می‌نماید که با تأیید هیأت وزیران به فرمان... برای مدت شش سال به این سمت منصوب خواهد شد.
اعضای اصلی هیأت مدیره بنا به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تصویب هیأت وزیران برای مدت سه سال انتخاب و به موجب فرمان... به این سمت منصوب می‌شوند. اعضای علی‌البدل هیأت مدیره بنا به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تصویب مجمع عمومی برای مدت سه سال تعیین می‌شوند.

تبصره ۱- تجدید انتخاب رئیس و اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره بلامانع است.

تبصره ۲- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل می‌تواند تغییر هر یک از اعضاء اصلی هیأت مدیره را قبل از پایان مدت عضویت آنان به هیأت وزیران پیشنهاد نماید. همچنین تغییر هر یک از اعضای علی‌البدل را قبل از خاتمه مدت عضویت آنان به مجمع عمومی پیشنهاد کند.

تبصره ۳- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل لااقل سه ماه قبل از انقضای دوره عضویت هر یک از اعضای اصلی هیأت مدیره جانشین او را به هیأت وزیران پیشنهاد می‌نماید.

تبصره ۴- تا زمانی که رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و اعضای جدید انتخاب نشده‌اند رئیس و اعضای هیأت مدیره به خدمت خود ادامه خواهد داد.

تبصره ۵- تعیین حقوق رئیس و اعضای اصلی هیأت مدیره با مجمع عمومی و تعیین حقوق اعضای علی‌البدل بنا به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و تصویب هیأت مدیره خواهد بود.

ماده ۳۰- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل یک یا دو نفر از کارمندان عالی‌رتبه صنعت نفت را که تجربه و بصیرت کافی در زمینه‌های مختلف عملیات شرکت داشته باشند به سمت قائم مقام خود تعیین خواهد نمود.

قائم مقام وظایف مشخصی را که رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل به او واگذار می‌نماید انجام خواهد داد و در جلسات هیأت مدیره حضور خواهد یافت. لیکن حق رأی جز در مورد ماده ۳۱ این اساسنامه نخواهد داشت.

تبصره- صورت جلسات هیأت مدیره پس از تصویب به امضای رئیس و اعضای هیأت مدیره حاضر در جلسه می‌رسد و هر قسمت از مذاکرات که هیأت مدیره آنرا محترمانه تلقی کند محترمانه بودن آن باید در صورت جلسه قید شود.

وظایف و اختیارات هیأت مدیره

ماده ۳۵- هیأت مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای اختیار برای اجرای وظایف مصريح در این اساسنامه منجمله وظایف زیر می‌باشد:

الف: تعیین خط مشی و تصویب برنامه عملیات شرکت.
ب: تعیین سیاست کلی فروش و پخش و صدور نفت خام و مواد نفتی و پیشنهاد قیمت فروش بتین و نفت گاز و نفت کوره در داخل کشور برای تصویب هیأت وزیران.

ج: تعیین قیمت سایر فرآورده‌های نفتی.
د: اعطاء تخفیفات متعارف بازارگانی.

هـ: دادن اختیارات برای سازش و تعیین داور در مورد اختلافات و دعاوی شرکت و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق شرکت لازم باشد.
و: تنظیم بودجه تفصیلی شرکت و تصویب ارقام درآمدهای پیش‌بینی شده و اعتبارات اضافی و اصلاح بودجه بر اساس پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل در حدود اختیاراتی که به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

ز: بررسی و تنظیم کلیه آیین‌نامه‌های داخلی شرکت.
مقررات استخدامی و بازنیستگی و اداری و فنی و حسابداری و حسابرسی و معاملات شرکت در کلیه شرکت‌های فرعی نیز لازم‌الاجرا خواهد بود.
ح: تدوین و پیشنهاد مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی قانون نفت برای تصویب هیأت وزیران.

ط: بررسی و اجازه انعقاد قراردادهای پیش‌بینی شده در قانون نفت و اعمال حقوق و اختیاراتی که به موجب قانون مذکور برای شرکت مقرر گردیده است.

ی: اخذ تصمیم نسبت به تشکیل و یا انحلال شرکت‌های فرعی و مشارکت با

قائم مقام می‌تواند نظر خود را در مورد مسائلی که در هیأت مدیره مطرح می‌شود کتاباً به اطلاع رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل برساند.
تبصره- اعضای هیأت مدیره (به استثنای رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل) و قائم مقامهای رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل از لحاظ بازنیستگی تابع شرایط و مقررات عمومی مربوط به کارمندان شرکت خواهند بود. ادامه خدمت هر یک از اعضای اصلی و قائم مقامها در سمت‌های مزبور پس از رسیدن به سن بازنیستگی منوط به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و تصویب هیأت وزیران خواهد بود.

ماده ۳۱- جلسات هیأت مدیره به ریاست رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و یا قائم مقامی که از طرف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل بدین منظور معرفی می‌شود و با حضور حداقل شش نفر از اعضاء اصلی و یا عالی‌البدل رسمیت پیدا می‌کند.

تصمیمات هیأت مدیره به اکثریت چهار رأی معتبر تلقی می‌شود. در صورت تساوی آراء رأی رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل قاطع خواهد بود. در مواردی که جلسه هیأت مدیره به ریاست قائم مقام رئیس هیأت مدیره تشکیل شود حق رأی رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل با قائم مقامی خواهد بود که اداره جلسه را بر عهده دارد.

ماده ۳۲- در صورت فوت یا استعفا یا برکناری هر یک از اعضای هیأت مدیره جانشین او برای بقیه مدت طبق مقررات این اساسنامه تعیین خواهد شد.

ماده ۳۳- اعضاء هیأت مدیره و هیأت عالی بازرگانی و همچنین کارمندان شرکت مشمول قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری می‌باشند.

تبصره- خرید فرآورده‌های نفتی و اموال و کالاهایی که شرکت و یا سازمانهای تعاونی وابسته به آن برای کارکنان شرکت تهیه می‌نمایند یا به آنها اختصاص می‌دهند در حدود استفاده شخصی از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۳۴- دعوت و اداره جلسات هیأت مدیره و ابلاغ و اجراء مصوبات و تصمیمات آن از وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل می‌باشد. جلسات هیأت مدیره بر حسب تشخیص رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل تشکیل خواهد شد.

اشخاص و مؤسسات در داخل یا خارج از ایران.

ک: تنظیم و تصویب مقررات اساسنامه‌های شرکت‌های فرعی و اتخاذ تصمیم در مورد تعیین مرکز اصلی عملیات هر یک از آن شرکتها و انجام سایر وظایفی که هیأت مدیره شرکت به عنوان مجمع عمومی آن شرکتها به عهده دارد و اعمال کلیه حقوق شرکت در شرکت‌های فرعی و وابسته.

ل: تهیه گزارش هیأت مدیره و ترازنامه سالانه حساب سود و زیان برای تقدیم به مجامع عمومی و پیشنهاد دستور جلسه مجمع عمومی.

م: نگاهداری و به کار انداختن و بهره‌برداری از وجود بازنیستگی و پس‌انداز کارمندان صنعت نفت با مراجعات کامل منافع و مصالح آنها.

و: وجود بازنیستگی و پس‌انداز کارمندان صنعت نفت که به هیأت مدیره سپرده شده جزء دارایی و وجود شرکت نمی‌باشد. با وجود این هیأت مدیره شرکت نسبت به این وجود در حکم این محسوب می‌شود. هیأت مدیره مکلف است سالی یک بار گزارش کامل اقدامات مربوط به وجود بازنیستگی را به مجمع عمومی تسلیم دارد.

ن: پیشنهاد استفاده از ذخیره عمومی شرکت به مجمع عمومی.
س: تصویب معاملات غیرمنتقول شرکت.

وظایف و اختیارات رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل

ماده ۳۶- رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل بالاترین مقام اجرایی و اداری شرکت بوده و بر کلیه سازمانهای تابعه شرکت ریاست دارد و مسئول حسن جریان کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شرکت می‌باشد و برای اداره امور شرکت و اجراء مصوبات هیأت مدیره دارای همه گونه حقوق و اختیارات تام و تمام بوده و نمایندگی شرکت را در مقابل کلیه مقامات قضایی، کشوری و لشکری و مؤسسات و اشخاص اعم از ایرانی و خارجی با حق توکیل غیر خواهد داشت و می‌تواند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به هر یک از اعضاء هیأت مدیره و رؤسای قسمتهای شرکت به تشخیص خود تفویض کند تا اداره عملیات مختلف شرکت را که به این طریق به آنها محول می‌گردد زیر نظر و مسئولیت مستقیم وی بر عهده گیرند.

اختیارات و وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شامل موارد زیر

می‌باشد:
الف: عزل و نصب و ارتقاء و اعطای پاداش و اضافه حقوق و مزايا و اخذ تصمیم درباره کلیه امور استخدامی کارکنان شرکت اعم از ایرانی و یا خارجی طبق آینه‌های شرکت.

ب: تعیین امضاهای مجاز و تعهدآور برای شرکت.
ج: اخذ و پرداخت وجوده و باز کردن حساب ریالی یا ارزی در بانکهای داخلی و خارجی.

در موارد مذکور با امضای رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و امضای یک عضو هیأت مدیره عمل خواهد شد.

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل می‌تواند یک یا چند نفر از اعضای هیأت مدیره را به این منظور انتخاب و معرفی نماید. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و عضو منتخب مزبور می‌توانند حق امضای خود را به کارمندان شرکت به تشخیص و مسئولیت خود واگذار نمایند.

د: اعمال نظارت‌های مالی و محاسباتی و حسابرسی نسبت به عملیات و معاملات و مخارج شرکت و بازرگانی در کلیه امور شرکت و شعب و نمایندگی‌ها و مؤسسات مربوط.

ه: تنظیم برنامه‌های طویل‌المدت متناسب با هدفهای شرکت همچنین تصویب طرح‌های سازمانی و اجرای برنامه‌های آموزشی.

و: تعیین وظایف و حدود اختیارات و مسئولیت‌های واحدهای مختلف شرکت.

قسمت سوم

هیأت عالی بازرگانی

ماده ۳۷- هیأت عالی بازرگانی عبارت از پنج نفر است که سه نفر از آنها دارای تجربیات و معلومات کافی در امور مالی با حسابداری صنعتی و بازرگانی و اقتصادی و دو نفر دیگر متخصص در رشته‌های مربوط به نفت خواهند بود.

ماده ۳۸- بازرسان عالی از طرف مجمع عمومی برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

یک نفر از آنها را مجمع عمومی به سمت رئیس هیأت عالی بازرگانی و یک نفر را به پیشنهاد رئیس هیأت عالی بازرگانی به سمت قائم مقام او تعیین خواهد نمود. تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده بازرسان به خدمت خود ادامه

خواهند داد. انتخاب مجدد بازرسان بلامانع است.

ماده ۴۳- در صورت فوت یا استغفار یا تغییر شغل یا برکناری از خدمت هر یک از بازرسان عالی مجمع عمومی به طور فوق العاده تشکیل می شود و شخصی را که واجد شرایط باشد به جای وی انتخاب خواهد کرد.

ماده ۴۴- هیأت عالی بازرسی از خدمات حسابداران و حسابرسان داخلی شرکت به هنگام ضرورت استفاده خواهد کرد و می تواند برای انجام وظایف خود از کارشناسان اعم از داخلی و خارجی به طور موقت استفاده نماید. برای انجام این منظور رئیس هیأت عالی بازرسی به رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مراجعه خواهد نمود و رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل مکلف است نظر هیأت مزبور را تأیین نماید.

ماده ۴۵- وظایف هیأت عالی بازرسی به قرار زیر است:

الف: تطبیق عملیات شرکت با بودجه مصوب.

ب: رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و تصدیق مطابقت آن با کارتها و دفاتر شرکت و تهیه گزارش چگونگی عملیات شرکت برای تقدیم به مجمع عمومی.

گزارش مزبور باید لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع عمومی سالیانه به رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل تسلیم شود که به ضمنیه ملاحظات هیأت مدیره با ترازنامه به مجمع عمومی تقدیم گردد.

ج: مطالعه و اظهارنظر راجع به گزارش سالانه هیأت مدیره. هیأت عالی بازرسی در اجرای وظایف خود حق مراجعت به کلیه دفاتر و پرونده ها و قراردادهای شرکت را خواهد داشت.

هر گاه هیأت عالی بازرسی در جریان رسیدگی اشتباہات یا تخلفات و یا بی ترتیبی هایی مشاهده نماید مورد را به رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل گزارش خواهد داد و هرگاه نسبت به این گزارش اقدام به عمل نیاید، مراتب را به اطلاع رئیس مجمع عمومی خواهد رسانید.

ماده ۴۶- اجرای وظایف هیأت عالی بازرسی که بر طبق مقررات این اساسنامه تعین شده نباید به هیچ وجه مانع جریان عادی کار شرکت گردد.

تبصره- هیأت عالی بازرسی وظایف خود را طبق آینین نامه خاصی انجام خواهد داد. که از طرف رئیس مجمع عمومی ابلاغ خواهد شد.

ماده ۴۷- حقوق اعضاء هیأت عالی بازرسی به وسیله مجمع عمومی تعیین و از طرف شرکت پرداخت خواهد شد.

ماده ۴۸- رئیس و اعضاء هیأت عالی بازرسی شرکت حق اشتغال موظف دیگری در داخل یا خارج از شرکت را ندارند.
اشغال غیر موظف (افتخاری بدون دریافت حقوق) در هر مورد منوط به موافقت رئیس مجمع عمومی خواهد بود.

فصل چهارم

ترازنامه و حساب سود و زیان

ماده ۴۵- سال مالی شرکت از اول فروردین ماه هر سال شروع شده و در آخر اسفندماه همان سال خاتمه می‌یابد.^۱

ماده ۴۶- تعداد و نوع دفاتر محاسباتی شرکت و شرکت‌های فرعی آن که باید پلمب شود بموجب تصمیم هیأت مدیره تعیین خواهد شد.

ماده ۴۷- کلیه دفاتر شرکت بتاریخ روز آخر سال مالی بسته شده و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش هیأت مدیره لاقل دو ماه پیش از تاریخ تشکیل مجمع عمومی تهیه و در اختیار هیأت عالی بازرسی گذاشته خواهد شد.

ماده ۴۸- در ترازنامه اقلام دارایی شرکت به بهای خرید یا تمام شده پس از استهلاک منظور می‌شود. مطالبات مشکوک به ارزش احتمالی روز تنظیم ترازنامه احتساب می‌شود. اقلام سوخت شده نباید جزو دارایی محسوب گردند.

ماده ۴۹- هر گاه هیأت مدیره تجدید ارزیابی تمام و یا قسمتی از دارایی‌های شرکت را لازم تشخیص دهد می‌تواند با تصویب مجمع عمومی اقدام به تجدید ارزیابی بکند و چنانچه افزایش و یا کاهشی حاصل شود به حساب اندوخته‌های مخصوص مذکور در ماده ۵۰ منظور گردد.

ماده ۵۰- میزان استهلاک نسبت به انواع دارایی‌های شرکت طبق اصول متداول صنعت نفت به پیشنهاد هیأت مدیره تعیین و پس از تصویب وزارت امور اقتصادی و دارایی به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

ماده ۵۱- شرکت مکلف است سالانه یک درصد از درآمد کل خود را به حساب ذخیره عمومی انتقال دهد.

۱. طبق ماده واحده مصوب خرداماه ۱۳۵۷ سال مالی شرکت که قبل از اول سال میلادی

(یازدهم دی ماه هر سال) بوده بشرح متن بالا اصلاح شده است.

فصل پنجم

سایر مقررات

ماده ۵۵- اعضای هیأت مدیره و بازرسان عالی و کارکنان شرکت حق ندارند اطلاعاتی را که برای شرکت جنبه محرومانه داشته باشد افشا نمایند.

در صورت تخلف اگر متخلص مدیر یا بازرس عالی باشد به پیشنهاد رئیس هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی و اگر کارمند یا کارگر باشد با تصویب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل از خدمت برکنار خواهد شد و در صورتی که خساراتی متوجه شرکت شده باشد برکناری متخلص مانع از تعقیب او برای جبران زیان وارد نخواهد بود.

ماده ۵۶- در مواردی که کارکنان شرکت مرتكب تخلفاتی در انجام امور شرکت بشوند تعقیب و مجازات اداری آنها طبق آیین نامه های استخدامی و انضباطی شرکت صورت خواهد گرفت.

هر گاه ضمن تحقیق معلوم شود که تخلف از نظر قوانین جنبه جزایی دارد رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت موضوع را به مراجع صلاحیتدار قانونی احالة خواهد نمود.

ماده ۵۷- کلیه عملیات شرکت اعم از امور مالی و استخدامی و استفاده از اشخاص و اداره اموال و انجام معاملات و اقدام به هر امری به منظور توسعه و پیشرفت هدفهای شرکت تابع اصول بازرگانی می باشد.

انجام امور مذبور به تشخیص هیأت مدیره و طبق مقررات داخلی شرکت بوده و از هر گونه تشریفات و مقرراتی که مغایر این اساسنامه باشد معاف خواهد بود. شرکت جز در مواردی که صریحاً مقرر شده باشد از شمول مقررات و قوانین عمومی مربوط به وزارت خانه ها و شرکت های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مستثنی خواهد بود.

ماده ۵۸- عضویت کارکنان شرکت در انجمن های شهر بدون دریافت حقوق و یا حق حضور و یا موافقت شرکت بلامانع خواهد بود.

ماده ۵۹- در مواردی که یکی از اعضای هیأت مدیره و یا کارکنان شرکت طبق ماده ۱۹ قانون کیفر عمومی معلق می شود اجرای حکم تعليق مانع برکناری

شرکت از بابت سایر درآمدها نیز هر ماه مبالغی را بر مبنای توافق با وزارت امور اقتصادی و دارایی بطور علی الحساب به خزانه پرداخت خواهد کرد و کلیه پرداختهای مذبور در پایان سال جزو پرداختهای قطعی طبق این ماده محاسبه خواهد شد.

اصلاحات بعدی با تصویب کمیسیون‌های مربوط قابل اجرا خواهد بود. دولت موظف است ظرف مهلت مذکور اساسنامه‌های نهایی را جهت تصویب کمیسیون‌های مربوط مجلسین تقدیم کند.

ماده ۶۶- این اساسنامه جایگزین اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ می‌باشد. قوانین و مقرراتی که کلاً یا بعضًا مغایر با مقررات این اساسنامه باشد در حدودی که مغایرت دارد نسبت به شرکت مجری خواهد بود و مقررات این اساسنامه مادام که مصرحًا بمحض قانون نسخ نشده است معتبر خواهد بود.

ماده ۶۷- در مواردی که احکامی در این اساسنامه و قوانین مربوط معلوم نشده باشد مقررات قانون تجارت معتبر خواهد بود.

کارمند از طرف شرکت و خاتمه دادن بخدمت او نخواهد بود.

ماده ۶۰- در مواردی که اختلاف بین شرکت و هر یک از وزارت‌خانه‌ها و یا سازمان‌های وابسته به دولت یا شهرداریها پیش آید موضوع از طرف شرکت به نخست‌وزیر گزارش خواهد شد و نخست‌وزیر موضوع اختلاف را به کمیسیونی عبارت از نمایندگان خود و طرفین ارجاع خواهد نمود.

کمیسیون مزبور از راه سازش به حل اختلاف اقدام خواهد کرد و هر گاه اختلاف به طریق مزبور فیصله نیافت موضوع به هیأت وزیران مراجعته خواهد شد و تصمیم هیأت وزیران برای طرفین قاطع خواهد بود.

ماده ۶۱- کارکنان شرکت در محل ادارات و اماکن مربوط به کار شرکت حق فعالیت سیاسی را ندارند و نیز نمی‌توانند در محل ادارات و اماکن مربوط به کار شرکت بدون اجازه قبلی شرکت اجتماعات تشکیل دهند.

ماده ۶۲- منتشر کردن اطلاعات راجع به عملیات شرکت بدون اجازه کبی شرکت ممنوع است.

تخلف از مقررات ماده ۶۱ و ۶۲ موجب تعقیب اداری و انضباطی طبق آیین‌نامه مربوط شرکت خواهد بود.

ماده ۶۳- شرکت در تهیه مسکن و تأمین رفاه و بهداشت و فرهنگ و آموزش و تفریحات سالم کارکنان خود و کمک‌های اجتماعی به آنان و حفاظت آنها در مقابل حوادث اهتمام به عمل خواهد آورد.

ماده ۶۴- از تاریخ تقدیم این لایحه مجتمع عمومی شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران از نمایندگان صاحب سهام دولت در مجمع عمومی شرکت ملی نفت ایران و دو نفر از مدیران شرکت ملی نفت ایران به انتخاب رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل این شرکت تشکیل می‌شود.

تصبره- احکام بنده‌ای «ی» و «ک» ماده ۳۵ در مورد شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی از طریق مجتمع عمومی آن شرکت‌ها به شرح مقرر در این ماده عمل خواهد شد.

ماده ۶۵- دولت اساسنامه‌های شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران را ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون جهت تصویب کمیسیون‌های مربوط مجلسین تقدیم خواهد کرد.

اساسنامه‌های فوق الذکر برای دو سال به عنوان آزمایش اجرا خواهد شد و

موادی از قانون تجارت

ماده ۱۳۵- رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارد حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا ابقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننماید به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۱۵۲- در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازارس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازارس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ۱۵۷- سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

مده ۱۵۸- تأديه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان‌پذیر است:

- ۱- پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد.
- ۲- تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.
- ۳- انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت.
- ۴- تبدیل اوراق قرضه به سهام.

تبصره ۱- فقط در شرک سهامی خاص تأديه مبلغ اسمی سهام جدید به غیرنقد نیز مجاز است.

تبصره ۲- انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.

ماده ۱۶۱- مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازارس یا بازارسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می‌کند.

تبصره ۱- مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می‌کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأديه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیأت مدیره واگذار خواهد کرد.

ماده ۱۰۶- در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متناسب یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد:

- ۱- انتخاب مدیران و بازارس یا بازارسان.
- ۲- تصویب ترازنامه.
- ۳- کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه.
- ۴- انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن.

ماده ۱۳۲- مدیر عامل شرکت و اعضاء هیأت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه عملیات به خودی خود باطل است. در مورد بانکها و شرکت‌های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد، معتبر خواهد بود. منوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پسر و مادر و اجداد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

ماده ۱۳۷- هیأت مدیره باید لااقل هر شش ماه یک بار خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازارسان بدهد.

ماده ۱۴۱- اگر بر اثر زیان‌های وارد حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیأت مدیره مکلف است بلا فاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا ابقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هر گاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت نداده باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیأت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.

موادی از قانون محاسبات عمومی

ماده ۴۴- شرکت‌های دولتی مکلفند پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت توسط مجتمع عمومی مربوط حداکثر ظرف یک ماه ترتیب پرداخت مبالغ مالیات و همچنین سود و سهام دولت را در وجه وزارت امور اقتصادی و دارایی بدهند.

تخلف از اجرای این ماده در حکم تصرف غیرمجاز در وجوده عمومی محسوب می‌شود.

تبصره: شرکت‌های دولتی مکلفند در صورتی که تا پایان شهریورماه هر سال ترازنامه و حساب سود و زیان سال قبل آنها به تصویب مجتمع عمومی مربوط نرسیده باشد، بر مبنای ارقام ترازنامه و حساب سود و زیانی که به حساب‌رس م منتخب وزارت امور اقتصادی و دارایی ارائه داده‌اند مالیات متعلقه را طبق قوانین مالیاتی مربوط و یا معادل ۸۰ درصد مبلغی را که به عنوان مالیات دوره مالی مورد نظر در لایحه بودجه کل کشور برای آنها پیش‌بینی شده است به ترتیب مقرر در این ماده در وجه وزارت امور اقتصادی و دارایی به طور علی‌الحساب پرداخت نمایند.

ماده ۱۳۳- در صورتی که پس از تشکیل مجتمع عمومی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌های دولتی به دلایل موجهی قابل تصویب نباشد، مجتمع عمومی مکلفند هیأت مدیره یا هیأت عامل شرکت را حسب مورد موظف نمایند در مهلتی که تعیین می‌شود نسبت به رفع ایرادات و اشکالات اقدام نمایند و مجدداً ترتیب تشکیل مجتمع عمومی را برای تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان بدهند، در هر حال ترازنامه و حساب سود و زیان هر سال مالی شرکت‌های دولتی باید حداکثر تا پایان آذرماه سال بعد به تصویب مجتمع عمومی آنها رسیده باشد. تبصره- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌های دولتی از طرف مجتمع عمومی مربوط مانع از تعقیب قانونی تخلفات احتمالی مسئولان در رابطه با عملکرد شرکت نخواهد بود.

تبصره ۲- پیشنهاد هیأت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت مدیره باشد.

ماده ۱۶۳- هیأت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۱۸۴- وجودی که به حساب افزایش سرمایه تأديه می‌شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود. تأمين و توقيف و انتقال وجوده مزبور به حسابهای شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.

ماده ۱۹۸- خرید سهام شرکت توسط همان شرکت منوع است.

ماده ۲۵۹- رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت که معمولاً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت ننماید و یا بازرسان شرکت را به مجتمع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

موادی از قانون دیوان محاسبات عمومی

ب: کسر حقوق و مزايا حداکثر یک سوم از یک ماه تا یک سال.
 ج: انفال موقت از یک ماه تا یک سال.
 د: اخراج از محل خدمت.
 ه: انفال دائم از خدمات دولتی.
تبصره ۲: هیئت‌ها در صورت احراز وقوع جرم ضمن اعلام رأی نسبت به ضرر و زیان وارده، پرونده را از طریق دادسرای دیوان محاسبات کشور برای تعقیب به مراجع قضایی ارسال خواهند داشت. (الحقیقی ۱۳۷۰/۵/۲۰)

تبصره ۳: آراء هیئت‌ها در موارد بندهای «الف» و «ب» و «ج» تبصره ۱ این ماده قطعی و لازم‌الاجراء است و در مورد بندهای «د» و «ه» در مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ در هیئتی مرکب از سه نفر از مستشاران که در پرونده مطروحه سابقه رأی نداشته باشند با تعیین رئیس دیوان محاسبات کشور قابل تجدید نظر می‌باشد. (الحقیقی ۱۳۷۰/۵/۲۰)

ماده ۲۳ - هیئت‌های مستشاری علاوه بر موارد مذکور در این قانون به موارد زیر نیز رسیدگی و انشاء رأی می‌نماید: (اصلاحی ۱۳۷۰/۵/۲۰).

الف: عدم ارائه صورتهای مالی، حساب درآمد و هزینه، دفاتر قانونی و صبورت حساب کسری و یا استناد و مدارک در موعد مقرر به دیوان محاسبات کشور.

ب: تعهد زائد بر اعتبار و یا عدم رعایت قوانین و مقررات مالی.

ج: عدم واریز به موقع درآمد و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه عمومی به حساب مربوط و همچنین عدم واریز وجوهی که به عنوان سپرده یا وجهه‌ضمانت و یا وثیقه و یا نظایر آنها دریافت می‌گردد.

د: عدم پرداخت به موقع تعهدات دولت که موجب ضرر و زیان به بیت‌المال می‌گردد.

ه: سوء استفاده و غفلت و تسامح در حفظ اموال و استناد و وجوده دولتی و یا هر خرج یا تصمیم نادرست که باعث اتلاف یا تضییع بیت‌المال بشود.

(اصلاحی ۱۳۷۰/۵/۲۰)

و: پرونده‌های کسری ابوباجمعی مسئولین مربوط.

ز: ایجاد موانع و محظورات غیر قابل توجیه از ناحیه مسئولین ذیربسط دستگاه‌ها در قبال ممیزین و یا حسابرسها و سایر کارشناسان دیوان محاسبات کشور در جهت انجام وظایف آنان.

ح: پرداخت و دریافتهای که خلاف قوانین موجود در دستور کتبی مقامات مسئول صورت گیرد.

ط: تأیید و یا صدور رأی نسبت به گزارشات حسابرسان داخلی و خارجی شرکتها و مؤسسات و سازمانهای مربوط.

ی: رسیدگی و صدور رأی نسبت به گزارش‌های حسابرسی و گواهی حسابهای صادره توسط دیوان محاسبات کشور. (الحقیقی ۱۳۷۰/۵/۲۰)

تبصره ۱: هیئت‌ها در صورت احراز وقوع تخلف ضمن صدور رأی نسبت به ضرر و زیان وارده متخلفین را حسب مورد به مجازاتهای اداری ذیل محاکوم می‌نماید. (اصلاحی و الحقیقی ۱۳۷۰/۵/۲۰)

الف: توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی.

موادی از قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

ماده خواهد بود. آخرین زمان مجاز برای اصلاح بودجه توسط شرکتهای دولتی موضوع این ماده تا پانزده آبان ماه هر سال تعیین می‌شود.

تبصره: در اجرای تبصره (۲) ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت مجاز است حداکثر تا بیست درصد (٪۲۰) برای شرکتهای دولتی موضوع این ماده مجوز مشارکت و سرمایه‌گذاری صادر نماید.

ماده ۷۶- اجرای خطوط و شبکه‌های برق، آب، گاز و مخابرات در منتهی‌الیه حریم راه‌ها با هماهنگی وزارت راه و ترابری در صورتی که به تأسیسات راه لطمه وارد نکند بدون پرداخت هر گونه وجهی مجاز می‌باشد.

ماده ۷۷- با توجه به ارائه قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور بر اساس نظام جدید بودجه‌ریزی و تغییر نظام طبقه‌بندی دریافتها و پرداختهای دولت، به منظور هماهنگی بین تعاریف بکار برده شده در نظام جدید با تعاریف مندرج در قوانین موجود مالی و محاسباتی تعاریف زیر به ماده (۱) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ اضافه می‌گردد:

ارزش خالص: منظور ارزش کل دارایی‌ها منهای ارزش کل بدھی‌های بخش دولتی است.

درآمد: منظور آن دسته از داد و ستدھای بخش دولتی است که ارزش خالص را افزایش می‌دهد.

اعتبار هزینه: منظور اعتبار آن دسته از داد و ستدھای بخش دولتی است که ارزش خالص را کاهش می‌دهد.

دارایی‌های سرمایه‌ای: منظور دارایی‌های تولید شده یا تولید نشده‌ای است که طی مدت بیش از یک سال در فرآیند تولید کالا و خدمات به کار می‌رود.

دارایی‌های تولید شده: منظور دارایی‌هایی است که در فرآیند تولید حاصل گردیده است. دارایی تولید شده به سه گروه عمده دارایی‌های ثابت، موجودی انبار و اقلام گرانبهای تقسیم می‌شود.

دارایی‌های ثابت: منظور دارایی‌های تولید شده‌ای است که طی مدت بیش از یک سال به طور مکرر و مستمر در فرآیند تولید به کار برده می‌شود.

موجودی انبار: منظور کالاها و خدماتی است که توسط تولید کنندگان به منظور فروش، استفاده در تولید و یا سایر مقاصد در آینده نگهداری می‌شوند.

ماده ۲- به مجتمع عمومی یا شوراهای عالی شرکتهای دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۷/۱ و سایر شرکتهایی که بیش از پنجاه درصد (٪۵۰) سرمایه و یا سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکتهای بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکتهای بیمه و همچنین سایر شرکتهای دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای تابعه و وابسته به وزارت نفت و شرکتهای تابعه آنها و سازمان صنایع ملی ایران و شرکتهای تابعه و مرکز تهیه و توزیع کالا که بودجه آنها در قوانین بودجه سنتواری درج می‌گردد، اجازه داده می‌شود با کسب نظر از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ارقام مربوط به بودجه مندرج در قوانین مزبور را بر اساس سیاستهای دولت، یا تصمیماتی که طبق اساسنامه یا قانون تشکیل شرکتها و مؤسسات مذکور، مجاز به اتخاذ آن هستند، یا در صورت فراهم شدن موجبات افزایش تولید یا دیگر فعالیتهای اصلی شرکت یا بنا بر مقتضیات ناشی از نوسان قیمتها، یا به تبع دیگر تحولات اقتصادی و مالی، با رعایت مقررات اساسنامه مورد عمل تغییر دهنده مشروط به این که این تغییر: اولاً: موجب کاهش ارقام مالیات و سود سهام دولت و همچنین بازپرداخت وامهای داخلی و خارجی از جمله وام موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه و بودجه مصوبه ۱۳۵۱/۱۲/۵ مندرج در بودجه مصوب (یا اصلاحی احتمالی) نشود.

ثانیاً: میزان استفاده شرکت از محل بودجه عمومی دولت را افزایش ندهد.

ثالثاً: میزان تسهیلات قابل دریافت از سیستم بانکی کشور افزایش نیاید. مجتمع عمومی یا شوراهای عالی شرکتهای موضوع این ماده، در موقع رسیدگی و تصویب صورتهای مالی موظفند گزارش تطبیق عملیات شرکت با بودجه مصوب را که با توجه به هدفهای کمی توسط شرکت یا مؤسسه انتفاعی تهیه می‌شود و پس از رسیدگی و اظهار نظر روشن و صریح بازرگانی در باب انتساب عملیات اجرایی با هدف‌ها و هزینه‌های مصوب شرکت به مجتمع عمومی یا شورای عالی ارائه می‌گردد ارزیابی کنند و تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند. رؤسای شوراهای عالی و مجتمع عمومی شرکتهای دولتی مسئول اجرای این

از قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۵۹- هر کس وسائل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا به وسیله نهادها و سازمانهای عمومی غیردولتی یا مؤسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تأسیسات بهره‌برداری آب و برق و گاز غیره را سرفت نماید به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتكب از کارکنان سازمانهای مربوطه باشد به حداقل مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۰- هر کس بدون پرداخت حق انتساب و اخذ انتساب آب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز نماید علاوه بر جبران خسارت واردہ به تحمل تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

قانون راجع به منع مداخله وزارء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

(مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲)

ماده اول- از تاریخ تصویب این قانون اشخاص زیر:

- ۱- نخست وزیر، وزیران، معاونین و نمایندگان مجلسین.
- ۲- سفرا، استانداران، فرمانداران کل، شهرداران و نمایندگان انجمان شهر؛
- ۳- کارمندان و صاحب منصبان کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و دستگاه‌های وابسته به آنها؛
- ۴- کارکنان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت و یا شهرداری‌ها و یا دستگاه‌های وابسته به آنها باشد؛
- ۵- اشخاصی که به نحوی از انجاء از خزانه دولت یا مجلسین یا مؤسسات مذکور در بالا حقوق یا مقرراتی یا حق الزحمه یا پاداش و یا امثال آن به طور مستمر (به استثنای حقوق بازنیستگی و وظیفه و مستمری قانونی)

اقلام گرانبها: منظور اقلامی با ارزش قابل ملاحظه است که نه به منظور تولید و مصرف، بلکه به دلیل ارزشی که دارند نگهداری می‌شود.

(مانند تابلو، کتب خطی، فلزات گرانبها)

دارایی‌های تولید نشده: منظور دارایی‌های مورد نیاز تولید است که خودشان تولید نشده‌اند. (مانند زمین و ذخایر معدنی)

فعالیت: منظور یک سلسله عملیات و خدمات مشخص است که برای تحقق بخشیدن به هدفهای سالانه برنامه طی یک سال اجرا می‌شود و منابع مورد نیاز آن از محل اعتبار مربوط به هزینه تأمین می‌گردد.

اعتبار طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای: منظور اعتبار مجموعه عملیات و خدمات مشخصی است که بر اساس مطالعات توجیهی، فنی و اقتصادی و اجتماعی که توسط دستگاه اجرائی انجام می‌شود طی مدت معین و با اعتبار معین برای تحقق بخشیدن به هدفهای برنامه توسعه پنج ساله به صورت سرمایه‌گذاری ثابت یا مطالعه برای ایجاد دارایی‌های سرمایه‌ای اجرا می‌گردد و منابع مورد نیاز اجرای آن از محل اعتبارات مربوط به تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تأمین می‌شود و به دو نوع اتفاقی و غیراتفاقی تقسیم می‌گردد.

ماده ۸۷- شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند که تمام طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری از محل منابع داخلی بیش از هشت میلیارد (۸/۰۰۰/۰۰۰) ریال خود را، برای یک بار به تأیید شورای اقتصاد برسانند.

ماده ۱۰۷- خرید دانش فنی از خارج از کشور توسط دستگاه‌های موضوع ماده (۳) این قانون جهت اجرای طرح‌ها و پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مذکور در قوانین بودجه سالانه به شرطی مجاز خواهد بود که با تشخیص وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانش فنی مورد نیاز آن در داخل کشور وجود نداشته باشد. وزارت‌خانه مذکور موظف است با کسب اطلاع از کلیه مراکز ذیربیط حداقل ظرف مدت دو ماه نظر خود را حسب مورد به دستگاه اجرائی درخواست کننده اعلام نماید.

دریافت می‌دارند.

۶- مدیران و کارکنان بنگاههای خیریه‌ای که از دولت یا از شهرداری‌ها کمک مستمر دریافت می‌دارند.

۷- شرکتها و مؤسساتی که پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به یک نفر از اشخاص مذکور در فوق یا بیست درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در فوق باشد و یا اینکه نظارت یا مدیریت و یا اداره و یا بازرگانی مؤسسات مذکور با آنها باشد به استثنای شرکتها و مؤسساتی که تعداد صاحبان سهام آن یکصد و پنجاه نفر و یا بیشتر باشد مشروط بر اینکه هیچ یک از اشخاص مذکور در فوق بیش از پنج درصد از کل سهام آنرا نداشته و نظارت یا مدیریت یا اداره و یا بازرگانی آن با اشخاص مذکور در فوق نباشد.

۸- شرکتهایی که اکثریت سهام یا سرمایه یا منافع آنها متعلق به شرکتهاي مندرج در بند ۷ باشد؛

نمی‌توانند (اعم از اینکه در مقابل خدمتی که انجام می‌دهند حقوق یا مالی دریافت دارند یا آنکه آن خدمت را به طور افتخاری و رایگان انجام دهند) در معاملات یا داوری در دعوی با دولت یا مجلسین یا شهرداریها یا دستگاههای وابسته به آنها و یا مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده شرکت نمایند اعم از اینکه دعوا مذکور در مراجع قانونی مطرح شده یا نشده باشد (به استثنای معاملاتی که قبل از تصویب این قانون قرارداد آن منعقد شده باشد).

تبصره ۱- پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بالفصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون و همچنین شرکتها و مؤسساتی که اقرباء فوق الذکر به نحو مندرج در بند ۷ و ۸ در آن سهیم یا دارای سمت باشند نمی‌توانند با وزارت‌خانه‌ها یا بانکها و یا شهرداریها و یا سازمان‌ها و یا سایر مؤسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت وزارت و یا معاونت و یا مدیریت دارند وارد معامله یا داوری شوند.

تبصره ۲- شرکهای تعاونی و کارمندان مؤسسات مذکور در این ماده در امور مربوط به تعاون از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود.

تبصره ۳- منظور از معاملات مندرج در این ماده عبارت است از:

۱- مقاطعه کاری (به استثنای معاملات محصولات کشاورزی و لو آنکه از طریق

مقاطعه انجام شود).

۲- حق العمل کاری.

۳- اکشاف و استخراج و بهره‌برداری (به استثنای معادن طبقه اول مندرج در قانون معادن و همچنین نمک طعام که معادن مذکور در ملک شخصی آنها واقع است).

۴- قرارداد نقشه‌برداری و قرارداد نقشه‌کشی و نظارت در اجرای آن.

۵- قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی.

۶- شرکت در مزايدة و مناقصه.

۷- خرید و فروش‌هایی که باید طبق قانون محاسبات عمومی با مناقصه و یا مزايدة انجام شود هر چند به موجب قوانین دیگر از مناقصه و مزايدة استثناء شده باشد.

تبصره ۴- معاملات اجنباس و کالاهای انحصاری دولت و امور مطبوعاتی دولت و شهرداری‌ها از موضوع این قانونی مستثنی است.

ماده دوم- اشخاصی که بر خلاف مقررات ماده فوق شخصاً یا بنام و یا بواسطه اشخاص دیگر مبادرت به انجام معامله نماید و یا به عنوان داوری در دعای فوق‌الاشعار شرکت کنند و همچنین هر یک از مستخدمین دولتی (اعم از کشوری و لشکری) و سایر اشخاص مذکور در ماده فوق در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند هر گاه بر خلاف مقررات این قانون عمل نمایند به حبس مجرد از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد و همین مجازات برای مسئولین شرکتها و مؤسسات مذکور در بند ۷ و ۸ ماده اول که با علم و اطلاع بستگی و ارتباط خود و یا شرکاء را در موقع تنظیم قرارداد و انجام معامله اظهار ننمایند نیز مقرر است و معاملات مذکور باطل بوده و متخلص شخصاً و در صورت تعدد متصاوتاً مسئول پرداخت خسارات ناشی از آن معامله یا داوری و ابطال آن می‌باشند.

تبصره- کارمندان مشمول ماده اول که بر اثر اجرای این قانون مایل به ادامه خدمت دولتی نباشند بازنشسته محسوب و در صورتی که مشمول مقررات بازنشستگی نباشند کسور بازنشستگی پرداختی دفعتاً واحده به آنان پرداخت می‌شود.

ماده سوم- از تاریخ تصویب این قانون هیچ یک از نمایندگان مجلسین در دوره

نمایندگی حق قبول وکالت در محاکم و مراجع دادگستری ندارند ولی دعاوی و
وکالت‌هایی که قبل از تصویب این قانون قبول کرده‌اند به قوت خود باقی است.
ماده چهارم - دولت مأمور اجرای این قانون می‌باشد.

قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی

(مصوب خردادماه ۱۳۴۸)

ماده واحده - اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی و یا
شرکتها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرباریها
با یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه تبانی ضرری متوجه دولت و یا شرکتها و
مؤسسات مذکور شود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به
میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند.

هر گاه مستخدمین دولت یا شرکتها و یا مؤسسات مزبور یا شهرباری‌ها و
همچنین کسانی که به نحوی از انحصار از طرف دولت یا شرکتها و یا مؤسسات
فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و یا علم و یا
اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت یا معاونت
کنند به حداقل مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکتها و
مؤسسات وابسته به دولت و شهرباری‌ها محکوم خواهند شد.

در کلیه موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتر
باشد مرتكب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

نمایندگی حق قبول وکالت در محاکم و مراجع دادگستری ندارند ولی دعاوی و
وکالت‌هایی که قبلاً از تصویب این قانون قبول کرده‌اند به قوت خود باقی است.
ماده چهارم- دولت مأمور اجرای این قانون می‌باشد.

قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی

(اصحونه خرددادمه ۱۳۴۸)

ماده واحده- اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی و یا
شرکها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرداریها
با یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه تبانی ضرری متوجه دولت و یا شرکها و
مؤسسات مذکور شود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به
میزان آنچه من غير حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند.

هر گاه مستخدمین دولت یا شرکها و یا مؤسسات مذبور یا شهرداری‌ها و
همچنین کسانی که به نحوی از انجاء از طرف دولت یا شرکها و یا مؤسسات
فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم و یا
اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت یا معاونت
کنند به حداقل مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکها و
مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد.

در کلیه موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتر
باشد مرتكب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.